

نام مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال سوم، شماره ۲۵، یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۰
مطابق با ۲۸ جمادی الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵:۴۰ ریال

سؤال از «مجاهدین خلق ایران»

وادی اویسی در برنامه ۹ اردیبهشت ماه ۶۰ خود «تظاهرات هواداران مجاهدین خلق و گروه‌های مخالف رژیم» را با تحسین و وجد بسیار پیشی کرد. رادیو اویسی در تفسیر این تظاهرات آنرا جنگ «تشنگان آزادی میهنان» خواند.

رادیو پخت در گفتار روز ۹ اردیبهشت ماه ۶۰ خود بیشترین جا و وقت را به آب و تاب دادن به خبر و تفسیر این تظاهرات اختصاص داد. رادیو پختیار در ۹ اردیبهشت ماه ۶۰ خود بیشترین قیاس این تظاهرات با مبارزات رزمجویانه مردم در آخرین روزهای عمر منحوس رژیم طاغوت گفت:

«اگر تظاهرات مردم علیه حکومت سابق اکثراً از روی تحریکات و تمصبات انجام می‌گرفت، و اغلب تظاهرات را مصائبی که توسط چهره‌های مرموز و نامرئی هدایت میشد، امروز مخالفت مردم و ضدیت آنها با این رژیم کاملاً واقعی است.»

رادیو اسرائیل در برنامه فارسی روز ۷ اردیبهشت ماه ۶۰ خود، به تفصیل خبر تظاهرات «مجاهدین خلق» را پیشی کرد. رادیو اسرائیل با بهره‌گیری از ماده خام این خبر، تفسیر دلخواه دشمنان انقلاب ایران و محافل

صیونیستی رادر آشنه‌خانه ویژه خود پخت.

رادیو کلم - سخنکوی امیرالیسم آلمان فدرال - در گفتار فارسی روز سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ماه ۶۰ خود، تظاهرات «مجاهدین خلق» را در تهران بطرز غلو آمیز برجسته کرد و در این باره داد سخن داد. رادیو کلم تعداد شرکت‌کنندگان این تظاهرات را پنج، شش برابر رقم واقعی ذکر کرد.

مجاهدین خلق!

چه کرده‌اید که رادیو اویسی و رادیو پختیار، شما را «تشنگان آزادی میهن» و «آزادیخواه» لقب میدهند، با شوری وصف ناپذیر اعمال شما را تحسین می‌کنند و هر چند مبارزه مردم را علیه رژیم شاه از «روی تحریکات و تمصبات» و هدایت شده توسط «چهره‌های مرموز و نامرئی» می‌خوانند، ولی «مبارزه» شما را بحق و «کاملاً واقعی» و «بلند شده از اعماق اجتماع»، توصیف می‌کنند؟

آیا واضح نیست که از «مبارزات» شما چه کسانی سود می‌برند؟ آیا این نمودها به اندازه کافی روشنگر و آموزنده نیست؟

شورای نگهبان انتصاب رئیس شهر بانی را از جانب فرمانده کل قوا، غیر موجه دانست

شورای نگهبان قانون اساسی در پاسخ به سؤال نخست‌وزیر درباره انتصاب رئیس شهر بانی کل کشور از سوی رئیس‌جمهوری و فرمانده کل قوا این انتصاب را بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی غیر موجه دانست. متن پاسخ شورای نگهبان

در پاسخ به سؤال نخست‌وزیر درباره انتصاب رئیس شهر بانی کل کشور از سوی رئیس‌جمهوری و فرمانده کل قوا این انتصاب را بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی غیر موجه دانست. متن پاسخ شورای نگهبان

قانون اساسی به نخست‌وزیر بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای رجائی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه شماره ۲۱۴۸۰ مورخ ۲۶ اردیبهشت ۶۰، موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام میشود:

نصب رئیس شهر بانی کل کشور به عنوان فرماندهی نیروهای مسلح

برنامه حزب رایا موزیم

جبهه متحد خلق: استراتژی یا تاکتیک؟ هم استراتژی، هم تاکتیک

- توطئهها و دشواریهای بیشتری در راه است. ما نگران آنیم که وحدت عمل حداقل موجود برای مقابله با دشواریهای بیشتر آینده کفایت نکند.
 - اندیشه تشکیل جبهه متحد خلق، بعنوان اصل محوری مبارزه انقلابی کارگران و خلقهای تحت ستم، همچون خط سرخی در آثار مارکسیستی از ۱۳۰ سال پیش تا امروز امتداد یافته است.
 - جبهه متحد خلق ضرورت حیاتی انقلاب و ضامن پیروزی قطعی و نهائی آنست. ما با اعتقاد به خلق و نیروهای راستین انقلابی، باور داریم که این جبهه، علیرغم همه دشواریها، بفرنجیها، کارشکنیها و نفاق افکنیها، بحکم «عقل سیاسی» سرانجام تشکیل خواهد شد.
- در صفحات ۴، ۵، ۶

استقرار قانون تنها با افشاء و سرکوب ضدانقلاب ممکن است

ضدانقلاب با حمله به مراسم روز کارگر «فدائیان خلق»، نشان داد که با تمام نیرو می‌کوشند از استقرار قانون جلوگیری کنند. برای خنثی کردن این توطئه باید قاضمانه ضدانقلاب را، زیر هر پوششی که هست، افشاء و سرکوب کرد و برعکس فعالیت آزاد و قانونی نیروهای طرفدار انقلاب را تضمین نمود.

نشان می‌دهد که هدف واقعی ضدانقلابیون چه بوده و آنها در واقع با حمله به گردهمایی «فدائیان خلق» کدام هدف را نشانه گرفته بودند.

سال ۱۳۶۰ از جانب رهبر انقلاب «سال قانون» اعلام شده است. این اعلام در واقع فرمانی است انقلابی برای خنثی کردن توطئه امپریالیسم، سرکردگی امریکا، که می‌کوشد با یاری جبهه متحد ضدانقلابی داخل کشور، سراسر ایران را به آشوب و درگیری بکشد و مطابق نقشه «هیگ» زمینه را برای مداخله نظامی امریکا فراهم سازد.

بدنیال فرمان اسام خیشی تلاش از دو سمت آغاز شد: از یکسو پیروان راستین خط امام در مقامات مسئول و اجرائی کوشیدند حاکمیت قانون را مستقر کنند، و از سوی دیگر ضد انقلابیون، با استفاده از سیاست و روش نیروهای اشتباه کار، با تمام نیرو مجتهد شدند، تا مانع استقرار قانون شوند. بهترین زمینه‌ساز فعالیت ضدانقلاب هم افراتیون راست و عناصر چپرو و چپ‌نما هستند که تحمل هیچ نیروی را غیر از خودشان ندارند و تنها چماق را در دستان خود

جامعه ما می‌دانند، درگیریهای متعدد، که به بهانه‌های مختلف از اواسط فروردین آغاز شد و در روزهای چهارم تا ششم اردیبهشت ۶۰، به اوج خود رسید، نشان داد که متأسفانه ضدانقلاب همچنان میتواند موفقیت داشته باشد.

برای مقابله با این وضع، خوبخانه مقامات مسئول کشور در این اواخر دست به اقدامات

برای مقابله با این وضع، خوبخانه مقامات مسئول کشور در این اواخر دست به اقدامات

ضدانقلاب سازمان یافته، در روز جهانی کارگر، با یک حمله کربابیه، گردهمایی «سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» را به خون کشید. ضدانقلابیون بعد از انداختن سه‌راهی به میان جمعیت، که سبب کشته شدن چهار نفر و مجروح شدن عده زیادی شد، بیرحمانه به حاضران در میتینگ حمله و با ضربات چماق، کارد، قهقه، چاقو و زنجیر دهنها نفر را مجروح کرد.

ضدانقلاب سازمان یافته از ابتدای گردهمایی «فدائیان خلق» در میدان آزادی، حملات خود را آغاز کرد، اما هر بار پاسداران و ماموران شهربانی مانع درگیری شدند. عکس‌العمل متین و خونسرد «فدائیان خلق» هم سبب میشد که ضدانقلابیون بهانه بیشتری برای ایجاد درگیری پیدا نکنند. ساواکیها، «رنجبریها» و «یکپاریها»، که سرکردگی گروه متشکل ضد انقلابی را بر عهده داشتند، با استفاده از روحیه انحصارطلبی و قسری گری حاکم در برخی نیروها، که حتی با اجتماعات قانونی هر نیروی دیگری مخالفت، در حالیکه برخی افراد ناآگاه در دام افتاده هم به آنان کمک می‌کردند، هنگامیکه سخنرانی فرخ تکمیل، عضو کمیته مرکزی «سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» شروع شد، تهاجم گسترده خود را آغاز کردند. ضدانقلابیون که سازمان یافته عمل می‌کردند، در لحظاتی تمل برخی از مأموران حفظ انتظامات هم به آنها اجازه عمل بیشتری می‌داد، از چهار طرف به

در اطلاعیه دادستانی انقلاب اسلامی مرکز

صحت ترجمه اسناد لانه جاسوسی تأیید شد

«پیرو اطلاعیه قبلی به اطلاع عموم میرساند، بررسی اسناد لانه جاسوسی مربوط به عباس امیرانظام توسط دوتنر از موثقین دادگاه انقلاب انجام و صحت ترجمه برادران دانشجوی خط امام بخلاف یاره‌گویی‌های بعضی از

دادگاه انقلاب اسلامی مرکز، پس از بررسی مجدد اسناد بدست آمده از لانه جاسوسی امریکا در باره اتهامات عباس امیرانظام طی صدور اطلاعیه‌ای، صحت ترجمه این اسناد را مورد تأیید قرار داد. متن اطلاعیه چنین است:

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران:

در راه گسترش و ژرفش انقلاب و شکوفائی جمهوری اسلامی ایران

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران اگر از حرکت به سوی تکامل و گسترش بازایستد، محکوم به فنا و بازگشت خواهد بود. به تبعیت از این قانون مسلم، وظیفه همه نیروهای راستین هوادار این انقلاب است که تمام توان خود را برای گسترش آن در همه جوانب زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و دفاعی به کار اندازند و از هیچ تلاشی و از خودگذشتگی در این راه دریغ نورزند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بدون تردید مهمترین میوه انقلاب شکوهمند مین ماست - انقلابی که امام خمینی آن را محصول فداکاری و از خودگذشتگی بسی حساب کوخ‌نشینان و پابرنه‌ها و پابین-شهریها ارزیابی کرده است - با وجود برخی کمبودها و نارساییها، بخشی مهمی از خواستهای مردم مین با بازتاب یافته است. رفع کمبودها و نارساییها و پیاده کردن سمت‌گیری‌های مردمی قانون اساسی نمی‌تواند راه را از یکسو بر بازگشت نظام غارتگر و استیلاجوی وابسته گذشته سد کند و از سوی دیگر برای پیشرفت به سوی شکوفائی نظام مردمی در کشور هموار سازد. بر پایه همین ارزیابی، حزب، با تکیه‌داری نظریات انتقادی خود، این قانون اساسی را مورد تأیید قرار داد و تمام نیروی خود را برای اجرای آن به کار انداخت.

حزب توده ایران حرکت جامعه را به سوی تأمین عدالت اجتماعی، برابری و شکوفائی در چهارچوب این قانون اساسی ممکن می‌داند و برنامه خود را برای این حرکت، یعنی گسترش انقلاب ایران عرضه می‌دارد و حاضر است برای تحقق بخشیدن به آن با همه نیروهای مردمی جامعه، صرف نظر از اختلاف در دیدگاههای فلسفی و اجتماعی، صادقانه همکاری کند.

روز ۱۱ اردیبهشت: یکی از مناطق مهم در جبهه دزفول به تصرف رزمندگان انقلاب درآمد

در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، رزمندگان انقلاب موفق شدند که یک منطقه حساس در جبهه دزفول را به تصرف در آورند. طبق اطلاعیه شماره ۴۸۹ یقه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

پیام فدراسیون سندیکائی جهانی بمناسبت اول ماه مه

درد گرم و صمیمانه ما به زحمتکشان و سندیکاهای جهان، بمناسبت اول ماه مه و برای همبستگی بین المللی، - ما پیش از همیشه به وحدت و همبستگی نیازمندیم، زیرا زحمتکشان میتوانند در سایه وحدت مسائل اساسی بشریت را حل کنند. وحدت و همبستگی زحمتکشان جواب دندان شکن به بحران سرمایه داری است.

برای مبارزه علیه انحصارات چندملیتی باید همبستگی بین المللی داشته باشیم، تاجبیش سندیکائی جهانی بتواند برای: «ایجاد نظم اقتصادی جدید بین المللی، قطع مسابقات تسلیحاتی، دفاع از حقوق بشر، صلح، آزادی و استقلال اقتصادی، ترقی و رفاه ملتها و خلق هادفتش خود را ایفا کند» - ما از شهداء و از هزاران زن و مردی که در میدان نبرد طبقاتی از پای درآمده اند و موجب افتخار ما هستند، تجلیل میکنیم.

ما به برادران زندانی شده بوسیله دشمنان طبقاتی، درد میفرستیم و با تمام قوا برای خلاصی آنان میکوشیم. ما مسبین مسابقه تسلیحاتی، یعنی امپریالیستها و نواستعمار را افساد میکنیم. آنها از طرفی میلیونها انسان را در فقر و گرسنگی نگه میدارند و از طرف دیگر انحصارات و شرکتهای چندملیتی و موسسات صنعتی - نظامی را ثروتمندتر میکنند.

ما سببین جنگ سرد و دشمنان ترقی اجتماعی را افشا میکنیم و تلاشهای مستقیم و غیرمستقیم علیه کشورهای سوسیالیستی و کشورهای مترقی را برملا میکنیم.

نژادپرستی و اختناق فاشیستی و هرگونه تجاوزات و مداخلات امپریالیستی را در امور داخلی ملتها افساد میکنیم. - مسائل مربوط به دستزده صلح و خلع سلاح با هم پیوند دارند. برای حل آن، فعالیت مجموعه جنبش سندیکائی ضروری است.

با ایجاد روابط بین المللی دموکراتیک و روح همکاری متقابل، میتوان شرایط لازم برای تامین زندگی، شغل و حقوق مناسب فراهم ساخت. تحقق این همکاری بین المللی بفتح زحمتکشان جهان است و بهمین جهت باید وسیع ترین جبهه برای یک فعالیت سندیکائی متحد بوجود آید.

وحدت موثرترین وسیله ایست در نبردهای امپریالیستها و همه دشمنان طبقاتی و همچنین برای تامین صلح جهانی و حفظ منافع زحمتکشان.

ما از زحمتکشان جهان درخواست میکنیم که همه توانشان را با یکبار برنده، تا موانع موجود از سر راه اتحاد برداشته شود و بین سندیکاهای همکاری نزدیک بوجود آید. ما خود را برای بزرگترین گردهمایی سندیکائی جهانی، یعنی دهمین کنفرانس فدراسیون سندیکائی جهانی در هاوانا (برای سال دیگر در کوبا - فوریه ۱۹۸۲) آماده میکنیم.

اطلاعیه حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان به مناسبت گشته شدن یکی از مسئولین بسیج اهواز

به دنبال گشته شدن مسئول بسیج منطقه ۷ اهواز توسط عوامل ضدانقلاب درخوزستان، از طرف حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان، اطلاعیه ای منتشر شد، که متن آن بشرح زیر است:

دموطنان عزیز، مردم قهرمان خوزستان! جنایتی بر جنایتهای تنگین ضدانقلاب افزوده شد: یکی دیگر از مبارزان فداکار راه انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ایران، غلامحسین پژوهنده، مسئول بسیج منطقه ۷ اهواز و عضو فرماندهی سازمان بسیج مستضعفان خوزستان در خانه و بستر خوایش بقتل رسید.

زندگی نامه این شهید نشان میدهد که وی، در راه پاسداری از انقلاب همیشه جان بر کف و همیشه در پی خنثی کردن توطئه های رنکارنگ ضدانقلاب بوده و در مبارزه با آن هیچگاه خستگی نمی شناخته است، و بدین سبب همیشه مورد کینه توزی و وحشیانه ضدانقلاب بوده و یک بار هم از توطئه آن ها جان سالم بدر برده بوده است.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان، ضمن ابراز نفرت شدید از این جنایت خفشان تبکار، شهادت پاسدار اینارگر انقلاب، غلامحسین پژوهنده، را به همه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، اعضای بسیج مستضعفان و به کلیه افراد خانواده محترم تسلیت و تمامی مردم میهن انقلابیمان صمیمانه تسلیت می گوید.

تردید نیست که این جنایت، در شرایط کنونی، حلقه ای از حلقه های پر شمار زنجیر توطئه هتم امپریالیسم آمریکاست که مدتی است در بطن توطئه ششم آن، یعنی در جریان جنگ تحمیلی رژیم تبکار صدام، به مرحله اجرا درآمده است.

حزب توده ایران، که در راه پاسداری از انقلاب شکوهمند مردم ایران جانفشانی کرده و یک قافله شهید داده است، به همراه تمامی مردم ما، یاد شهیدان را همیشه گرامی خواهد داشت. حزب ما همیشه چاروش اتحاد واقع بینانه و روشن بینانه نیروهای انقلابی راستین، همدارگر مداوم مردم و حاکمیت انقلابی در برابر دسائس امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، و خواستار جدی قلع و قمع کامل ضدانقلاب و حل بنیادی انقلابی مسائل میهن کشور خواهد ماند.

گرامی باد یاد شهید غلامحسین پژوهنده و سایر شهیدان انقلاب!

نوید تغییرات مثبت در سیستم مالیاتی

معاون کل وزارت دارائی در يك مصاحبه، ضمن اعلام اینکه سیستم مالیاتی کشور دگرگون میشود، از جمله گفت: «در زمینه مالیات های مستقیم هم اکنون با توجه به فعالیت بازار اقداماتی تحت بررسی است، تا با توجه به نسبت درآمدها این طبقه، از آنان مالیات دریافت شود... از کسانی که صاحب مشاغل آزاد هستند، در واقع باید مالیات بیشتری گرفته شود، بخاطر این که قیمت را افزایش می دهند» (کیهان - ۷ اردیبهشت ۱۳۶۰)

این سخنان برای مردم محروم ایران نویدبخش است. اظهارات آقای نوربخش نشان میدهد که دولت سرانجام به مسئله حیاتی مالیاتهای مستقیم، که نقش مهمی در تنظیم بودجه و اقتصاد کشور بسود افراد کم درآمد دارد، توجه جدی کرده است. امیدواریم که این سخنان هرچه زودتر عملی شود و با تبدیل سیستم مالیاتی کشور به يك سیستم عادلانه، کام بزرگی بسود مردم زحمتکش برداشته شود.

شایعه پراکنی باندهای بزرگ قاچاق

شرکت دخانیات ایران، با انتشار اطلاعیه ای، وجود کافور در سیگار «آزادی» را بشدت تکذیب کرد. در این اطلاعیه آمده است: «باندهای بزرگ قاچاق محتکران فرست طلب آشکارا خواستار وابستگی هستند، اینان منافع خود و اربابانشان را در خطر می بینند و به بهانه های گوناگون شایع می کنند که در ساخت سیگارها کافور بکار می رود» (میزان - ۸ اردیبهشت ۶۰)

شرکت دخانیات با انتشار این اطلاعیه برای چندمین بار توطئه ضدانقلابی باندهای بزرگ قاچاق را رسوا می کند. این باندها، که مقادیر بسیار زیادی سیگارهای ساخت کشورهای امپریالیستی، بویژه آمریکا، را بطور قاچاق وارد ایران می کنند و به چند برابر قیمت می فروشند، از زمانیکه قرارداد تهیه سیگار «آزادی» با بلغارستان بسته شده، دست به کارشکنی زدند. آنها وسیعاً تبلیغ می کنند که سیگار «آزادی» کافور دارد، تا باین ترتیب مردم از مصرف این سیگار خودداری کنند. علاوه بر استفاده سیاسی - یعنی تبلیغ علیه صنایع کشور - های سوسیالیستی - هدف ضد انقلابیون از این تبلیغات این است که با خارج شدن سیگار «آزادی» از بازار و در نتیجه قطع درآمد ناشی از فروش آن، به دخانیات زیان بزنند و در عوض میلیونها تومان نصیب باندهای قاچاق کنند، که بازار سیگار را در قبضه خواهند داشت.

پیام شادباش سازمان حزب توده ایران در قزوین به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

در روند تعمیق و گسترش یابنده خود، بیش از هر زمان دشمنی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و غارتگران داخلی را برانگیخته است. ولی خلقهای ستم دیده و به پا خاسته میهن مان، عزم راسخ دارند تا محور آثار شوم وابستگی و برچیدن بساط غارت و چپاول جهان امپریالیستی و در راس آن امپریالیسم آمریکا از عرصه میهن، ازبای نشینند.

در روند تعمیق و گسترش یابنده خود، بیش از هر زمان دشمنی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و غارتگران داخلی را برانگیخته است. ولی خلقهای ستم دیده و به پا خاسته میهن مان، عزم راسخ دارند تا محور آثار شوم وابستگی و برچیدن بساط غارت و چپاول جهان امپریالیستی و در راس آن امپریالیسم آمریکا از عرصه میهن، ازبای نشینند.

برای ناامید کردن مردم از انقلاب است، تا زمینه روی کار آمدن يك دولت لیبرالی و ایجاد جنگ داخلی فراهم شود. به این توطئه شوم ضدانقلاب مائوئیست های آمریکائی و چپ رها از یک سو و قشریون و انحصارطلبان ازسوی دیگر یاری می رسانند. بیپرده نیست که ضدانقلاب زیر نام «حزب الله» به مراسم حمله می کند، آدم می کشد و دست به اعمال فاشیستی می زند. این سکارپوئی است که امپریالیسم جهانی دقیقاً بر متن چپ روی و چپ نمائی گروهکهای معین و انحصارطلبی و قشری گری راست تنظیم کرده است. کارشناسان خیره امپریالیسم تنها بر زمینه آبیاده کم تریکی و چپ روی برخی از نیروها و قشری گری و انحصار طلبی جناح های معینی است که توطئه خود را «کام به کام» گسترش می دهند. باید این توطئه را قاطعانه و هشیارانه خنثی کرد. استقرار قانون ضرورت حیاتی جامعه ما در شرایط حساس کنونی است. نیروهای پیرو خط

«معتول و میانه رو» بدهد. علاوه بر این زود خورد و درگیری بخوردی خود هم ایجاد تشنج می کند و باز هم تلاش نیروهای پیرو خط امام برای استقرار قانون بی نتیجه می ماند.

بر اساس این محاسبات بود که ضدانقلاب فعالیت خود را از صبح روز جمعه آغاز کرد. ابتدا مائوئیست های آمریکائی «بیکار» و «ترنجپر» یا کمک چپ روهای «اقلیت» در چند نقطه آشوب بیا کردند. سپس نوبت به حمله سازمان یافته ضدانقلاب در عصر همان روز به گردهمایی «فدائیان خلق» رسید. هرچند متابت «فدائیان خلق» مانع از گسترش درگیری شد، اما با کمال تاسف باید گفت که ضدانقلاب در اجرای نقشه خود تا حد معینی موفق شد.

از صبح روز بعد (شنبه) نیز تبلیغات دامنه دار در این زمینه آغاز شده است. ضدانقلاب می گوشتد تا بهر ترتیب شده این فکر را به میان مردم ببرد که هرچ و مرج بر کشور حاکم است و دولت قادر نیست امنیت را برقرار سازد. ضدانقلاب با تمام نیرو تبلیغ می کند که تنها قانون چماق بر جامعه حاکم است و جمهوری اسلامی قادر نیست قانون را مستقر کند. این توطئه شوم

استقرار قانون...

جدی زدند. ابتدا اعلامیه ۱۰ ماده ای دادستان کل انقلاب منتشر شد، که در آن شرایط فعالیت آزاد نیروهای طرفدار انقلاب تامین و تضمین شده بود. سپس با نزدیک شدن روز جهانی کارگر، این تمایل درست در مسئولان کشور دیده شد که قانون را در عمل مستقر کنند. بر این اساس، آیت الله مهدوی کنی وزیر کشور و آیت الله دیوان عالی کشور و همچنین دادستان کل انقلاب، از استقرار قانون پشتیبانی کردند و بر ضرورت آن تأکید ورزیدند. این سخنان خوشبختانه وقتی عملی شد که برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در دستور روز قرار گرفت. وزارت کشور به شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی اجازه راهپیمایی داد و «تجمیع همبستگی سندیکائی» و شوراهای کارگران تهران و توابع و «سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)» نیز رسماً از وزارت کشور اجازه برگزاری میتینگ دریافت کردند. خبری برگزاری میتینگ «فدائیان خلق» چند بار از رادیو و تلویزیون اعلام شده. ستاد امنیت تهران نیز

پقیه از صفحه ۹

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!

افراد جهاد با قاطعیت در جبهه و پشت جبهه به فعالیتهای سازنده مشغول هستند



در اسلام آباد غرب نمایشگاهی از فعالیتهای جهاد سازندگی تشکیل شد

جهاد سازندگی از جمله نهادهای انقلابیست که افراد آن از بدو تاسیس، علیرغم کارشکنیها و اشکال تراشیهای دولت موقت و وزیر کشاورزی بزرگ مالک آن و دیگر بزرگ مالکان و عوامل و یادی آن، در جهت پاسخگویی به خواستها و نیازهای فرهنگی، کشاورزی، عمرانی، فنی و درمانی روستائیان زحمتکش، رهسپار روستاها شدند و در حد توانایی منشاء خدمات ارزندهای گشتند. آنها در این راه از یاری سپاه پاسداران، نهاد انقلابی دیگر بهره فراوان بردند. افراد جهاد، این مبشران خدمت به مردم و کوشندگان راه محرومان، با آغاز جنگ تحمیلی صدام به ایران انقلابی نیز، همراه با دیگر هم میهنان دلیر و رزمنده خود، به تلاشی عظیم بمنظور تقویت جبهه و پشت جبهه انقلاب پرداختند، که کارسازگاری آنان همچنان با شورو فداکاری فراوان ادامه دارد.

در مطلب دیگری که در همین صفحه چاپ شده، نمونههایی از خدمات ارزنده جهاد را در جبهه، برای خدمت مستقیم به جنگ عادلانه میهن انقلابی ما علیه تجاوز صدام، می خوانید. در گزارشهایی که از هر استان و شهرستان پیرامون فعالیت جهاد منتشر می یابد، نمونههای برجسته دیگری از ثمرات زرف کوششی ایثارگرانها می توان یافت. در ناحیه میروان، علیرغم مشکلاتی که ضد انقلاب ایجاد می کنند، جهاد سازندگی به احداث حمام و پمپاژ و فاضلاب و تعمیر مدارس و اضافه کردن تخت بیمارستان و ساختمان خانه و به کار انداختن موسسات و رساندن دارو و خواربار و غیره پرداخته است.

در اسلام آباد غرب نمایشگاهی از فعالیت های سه ماهه این نهاد انقلابی در بهمن ماه تشکیل شده که در آن عکس و پوستر و کارهای دستی و آثار فعالیت های جهاد اسلام آباد غرب به معرض نمایش گذاشته شده بود. آثارها بیانگر دو نکته مهم بود که گزارشگرانها "مردم" بر آن تکیه می کنند. اول آنکه، نهادهای انقلابی، که خود محصول انقلابند، بیشترین سهم را در پیشرفت جامعه و تحکیم مبانی انقلاب دارند، و هر قدر نسبت به این نهادها، در جهت کارائی بیشتر و عمیقتر آنها، توجه شود، نشانه تعهد جدی تر و مسئولانه تری نسبت به انقلاب است. برعکس، بی توجهی نسبت به این نهادها، در جهت تضعیف یا انحلال آنها، مستقیماً ضربه ایست که بر انقلاب و تعمیق آن وارد می شود.

دوم آنکه، نهادهای انقلابی، از جمله جهاد سازندگی، راه بسیار دراز و دشوار، ولی پرافتخاری را برای سازندگی روستاها همچنان در پیش دارند. نمایشگاه خودحاکمی از آن بود که رژیم طاغوت چه فقر و فلاکت و عقب ماندگی باور نکردنی را برای روستائیان ما به ارث گذاشته است. اکثریت قریب به اتفاق دهقانان از حداقل معیشت و امکانات ابتدائی زندگی محرومند و اگر گاه صحبت از مسائل رفاهی در روستا می شود، این واژه "رفاه" بگلی قراردادی است و ابداعی انگلیسی زبانان است. معیشت انسانی در روستاهای ایران نیست. مبارزه با این طاغوت زدگی و واپس ماندگی سینه شیری خواهد نهاد انقلابی جهاد سازندگی نشان داده است.

جبهه متحد خلق

بقیه از صفحه ۶

بسرکردگی آمریکا، مستلزم تشکیل جبهه متحد خلق است. کجای این دعوی با سوسیالیسم و انقلاب ارتباط پیدا می کند؟ آیا چون پیروان سوسیالیسم علمی، پیرو سوسیالیسم علمی هستند، جمهوری اسلامی ایران باید در برابر جبهه متحد امپریالیسم و ارتجاع از پای در بیاید؟ آیا این ایراد جز بدین معناست؟

گذشته از این، ما معتقدیم که همکاری و اتحاد بین نیروهای انقلابی، صرف نظر از جهان بینی و ایدئولوژی، در مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم هم پایه عینی دارد و امکان پذیر است. همانطور که قبلاً گفتیم، در کشورهای سوسیالیستی دهها سال است که کمونیستها و نیروهای انقلابی مذهبی، با حفظ جهان بینی و ایدئولوژی خود، در همکاری و اتحاد با یکدیگر، به ساختمان جامعه نوین فارغ از ستم و نابرابری و استثمار - یعنی سوسیالیسم مشغولند.

پس پیروان سوسیالیسم علمی حاضرند جبهه متحد خلق را برای ساختمان چنین جامعه ای - تا هر وقت که سایر نیروهای انقلابی آماده باشند - ادامه دهند.

و بالاخره می گویند که پیروان سوسیالیسم علمی خواستار دوستی و همکاری جمهوری اسلامی ایران با اردوگاه سوسیالیستی هستند، و این امر با شعار "نه شرقی نه غربی" منافات دارد.

ما معتقدیم که معنای واقعی شعار "نه شرقی نه غربی" تامین استقلال واقعی میهن انقلابی ماست. اردوگاه سوسیالیستی، جنبش کارگری و انقلابی در کشورهای سرمایه داری و جنبشهای رهایی بخش ملی در جهان سوم نیز صمیمانه و صادقانه خواستار استقلال واقعی جمهوری اسلامی ایران هستند، زیرا که ایران انقلابی و مستقل می تواند و باید یار و متحد آنان در پیکار سرنوشت ساز با جبهه امپریالیسم و ارتجاع جهانی بسرکردگی آمریکا باشد. دوستی ما با این نیروها به سود ما، به سود آنها و به سود مستضعفین و ستم دیدگان جهان است. یاری گرفتن ما از امکانات عظیم این نیروها نه تنها منافاتی با شعار "نه شرقی نه غربی" ندارد، بلکه به تحقق استقلال ما یاری می رساند. ما در این اعتقاد تنها نیستیم. از جمله در جهان اسلام، اکثریت عظیم مسلمانان انقلابی نیز بر این اعتقادند. رهبران جبهه پایداری عرب، که نزدیکترین دوستان و پشتیبانان جمهوری اسلامی هستند نیز خود به تجربه شخصی به این اعتقاد رسیده اند. و خوشبختانه در میان مسلمانان انقلابی ایران کسی بر این عقیده نیست که این اعتقاد آنان، مانع از اتحاد و همکاری جمهوری اسلامی ایران با جبهه پایداری عرب است.

از همه اینها گذشته، پیروان سوسیالیسم علمی در ایران ادعا نکرده اند که دوستی جمهوری اسلامی ایران با نیروهای انقلابی جهان شرط تشکیل جبهه متحد خلق است. در برنامه پیشنهادی حزب توده ایران برای تشکیل جبهه متحد خلق هیچ اثری از این شرط نمی یابید. مسأله عاجل و مبرم انقلاب آنست که نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هر چه زودتر متحد و متشکل شوند و جبهه متحد امپریالیسم و ضد انقلاب، به سرکردگی آمریکا را درهم بکوبند و استقلال و آزادی و پیشرفت میهن انقلابی ما را در گرداز، و نه در گفتار، تحقق بخشند. ما آماده ایم با هر نیرویی که صمیمانه پشتیبان خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی و معتقد به شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران باشد، بی هیچ شرط و شروطی همکاری کنیم. ما شک نداریم که مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و رهبران انقلابی راستین جمهوری اسلامی ایران خود در جریان کار و پیکار، راههای صحیح و عملی تامین استقلال واقعی میهن انقلابی ما را پیدا خواهند کرد. و در آن صورت در این زمینه نیز کمتر اختلاف نظری مابین ما و آنها باقی خواهد ماند.



مشکلات روز به روز بفرختر و انبوهتری که انقلاب ایران طی دو سال گذشته، در نتیجه سیاستهای نادرست و زیان بخش و ناپیگیر در امر تامین اتحاد همه نیروهای انقلابی با آن روبرو شده است، بهترین و معتبرترین گواه صحت نظریات حزب توده ایران مبنی بر ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق است. ما نه تنها بارها و بارها این سخن را تکرار کرده ایم، بلکه به قیمت تحمل تضییقات و فشارهای ظالمانه ای که اعضاء و هواداران حزب توده ایران در زندگی و فعالیت روزمره با آن درگیر هستند، کوشیده ایم با صبر و گذشت انقلابی جوانه های وحدت عمل انقلابیون ایران را همچون مردمک چشم محفوظ بداریم و از این پس نیز پیگیرتر از گذشته، در این راستا پیش خواهیم رفت.

انقلاب تا به امروز به میمنت این حداقل اتحادی که در گرداز مابین اکثریت نیروهای خلقی و ضدامپریالیست وجود داشته، توانسته است توطئه ها و دشواریهای بسیار را به بهایی سنگین از سر بگذراند. ولی چشم انداز آینده از توطئه ها و دشواریهای بیشتری خبر می دهد. ما نگران آنیم که وحدت عمل موجود برای مقابله با دشواریهای بیشتر آینده کفایت نکند. تاریخ مسئولیت تلفات و ضایعات سنگین تری را که در صورت عدم تشکیل جبهه متحد خلق در کمین انقلاب خواهد بود، از چشم انقلابیونی خواهد دید که عواقب شوم ستیز با واقعیت های جامعه و جهان ما را از او نیا موخته اند.

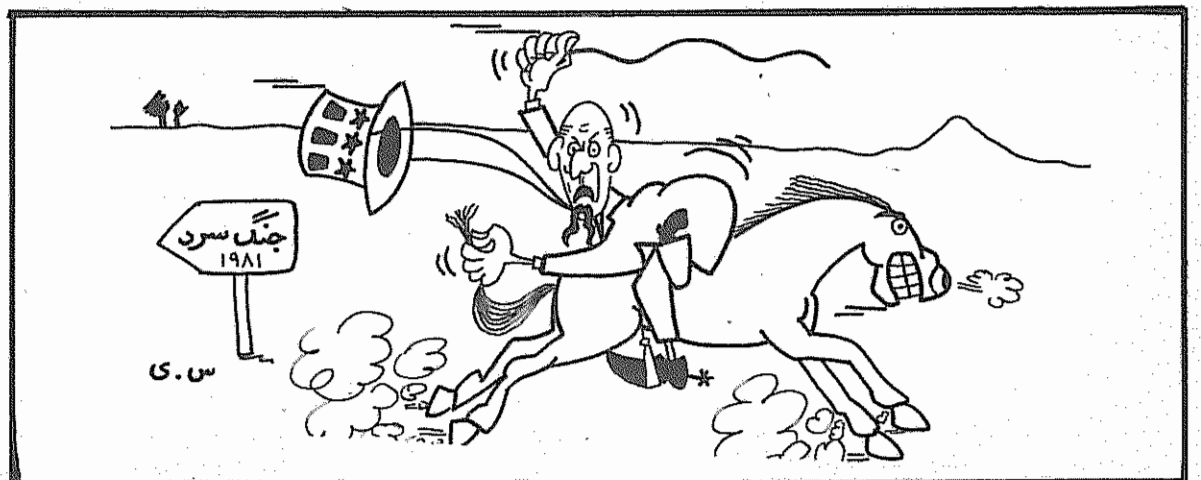
با اینهمه ما خوشبینیم. ما به خلق و به نیروهای انقلابی راستین باور داریم. ما باور داریم که، علیرغم همه دشواریها و بفرنجیها، همه اخلالها و کارشکنیها و نفاق افکنیها، "عقل سیاسی" - به گفته امام خمینی - سرانجام پیروز خواهد شد، وحدت خلق و اتحاد همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از جهان بینیها و ایدئولوژیها، عملی خواهد گشت، جبهه متحد خلق، که ضامن پیروزی قطعی و نهایی انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ایران است، تشکیل خواهد شد و ایران مستقل و آزاد و آباد ما را به وجود خواهد آورد.

که چنین سینه ای دارد و جوانان پرشور و متعهد و انقلابی میهن ما هر یک قادرند، این راه دراز و سخت را بپیمایند و با اتحاد و اتفاق، با ایمان و آگاهی و کار دانی، بر مشکلات راه پیروز شوند. آثار - های نمایشگاه جهاد سازندگی اسلام آباد غرب نشان داد که در دهه ها مورد برق - رسانی و احداث و تعمیر ساختمان، کانال کشی و پرداخت وام لایروبی و دادن بذور و راه سازی و پیل سازی و واکسیناسیون و خدمات پزشکی و دندان پزشکی و آب رسانی و لوله کشی و غیره، چه در خود اسلام آباد غرب و چه در غرب و گهواره و ریحان فعالیت داشته است.

در دور روستای قوچ حصار و سلمبر، واقع در شش کیلومتری جنوب شرقی شهری، جهاد سازندگی با گردآوری کمک از خود روستائیان در همان سال اول انقلاب شروع به اسفالت جاده روستا کرد. در سال دوم انقلاب، جهاد در روستای قوچ حصار چهل دستگاه خانه را آغاز ساختمان کرد. که قرار است هر دستگاه دو اتاقه بمبلغ ۵ هزار تومان، بصورت اقساط سالی دو هزار تومان، به افراد تهیدست روستا واگذار شود. در روستای سلمبر، جهاد بارو روستائیان قرار داد بست، تا قنات را بطول دو هزار متر کابل کشی کند. کل مخارج، یک - میلیون و دویست هزار تومان، را جهاد سازندگی خواهد پرداخت و در اقساط دوازده ساله وصول خواهد کرد. هر دهقان این روستا بطور متوسط شش ساعت آب خواهد داشت و ۴۲۰۰ تومان در سال خواهد داد، که احتمال دارد عده ای از تهیدستان روستا بصورت بلاعوض آب دریافت دارند، اگر چه در عین حال باید شرایط جنگ و مقدرات کنونی را هم در نظر داشت. امید است که با پیروزی در جنگ علیه تجاوز کاران صدامی، امکانات بیشتری در اختیار جهاد این منطقه نیز قرار گیرد.

این گونه فعالیتها البته منحصر به این یا آن منطقه نیست. آقای ناطق نوری، سرپرست جهاد سازندگی، طی یک سخنرانی در مجلس شورای اسلامی، آمار تاسیسات احداث شده و در دست اجرا و در حال تکمیل را در دهها مورد ارائه داشت. طبق این گزارش، نتیجه فعالیت جهاد سازندگی، با شمار هزار و هزارها واحدهای حمام و درمانگاه و

هر انقلابی صدیق و آگاهی، در هر جا و بهر نحو که بتواند، علیرغم همه موانع و مشکلات، تمام توان و استعداد خود را بدون هیچگونه چشمداشتی، در اختیار جهاد گذاشته و خواهد گذاشت و در جستجوی بهترین راههای همکاری و خدمت به طرحهای جهاد سازندگی در زمینه های مختلف، بوده و خواهد بود.



برنامه حزب

جبهه متحد استراتژی هم استراتژی

می توان آن را قانون اساسی انقلاب دموکراتیک در دوران های نوین دانست
موضوع اصلی این کتاب نیز همان تاکتیک بنیادی مارکسیست ها در مبارزه
سیاسی است. مارکس گفته بود:
"نیروهایی که برضد نظام کهن، یعنی حکومت مطلقه، فئودالیسم و
سرواژ به پامی خیزند، عبارتند از: (۱) بورژوازی لیبرال، (۲) خرده بورژوازی
رادیکال، (۳) پرولتاریا. اولی مبارزه اش از حدود سلطنت مشروطه تجاوز
نمی کند، دومی برای نیل به استقرار جمهوری دموکراتیک مبارزه می کند و
سومی در راه انقلاب سوسیالیستی." (۹)

لنین نشان می دهد که این تمایز عام، با وجود ویژگی های جامعه
روسیه - از جمله این که در روسیه برجست ترین بخش خرده بورژوازی
دموکراتیک را دهقانان تشکیل می دهند - در این کشور نیز مصداق دارد.
تاکتیک بنیادی که لنین برای پرولتاریای روسیه تدوین می کند، چنین
است:

تشکیل جبهه متحد خلق از کارگران و دهقانان و دیگر عناصر
دموکراتیک شهر و روستا برای خنثی کردن تزلزل ها و سازشکاری های
بورژوازی لیبرال و مبارزه در راه استقرار جمهوری دموکراتیک.
لنین برای اثبات صحت این تاکتیک ناگزیر بود با دوتنظرمخالف
راست و چپ در این باره مبارزه کند. جناح راست سوسیال دموکراسی

جبهه متحد خلق ضرورت حیاتی انقلاب و ضامن خلق و نیروهای راستین انقلابی، باور داریم که کارشکنی ها و نفاق افکنی ها، به حکم «عقل سیاسی»

روسیه (منشویکها) معتقد بود که دهقانان، عقب مانده، "تنگ نظر"
خرافه گرا و "ارتجاعی" هستند (۱۰) و از این رو کارگران نمی توانند و
نباید با آنها متحد شوند. این حکم که منشویکها و سوسیال
دموکراسی راست اروپایی در آن اشتراک نظر داشتند، در اساس نظریه ای
راست گرایانه است که با محروم کردن کارگران از نزدیک ترین متحدان خود
و ایجاد نفاق در جبهه متحد خلق، به تسلط بورژوازی لیبرال یاری می رساند.
جالب آنست که تمامی نظریات راست گرایانه در مورد عناصر تشکیل دهنده
جبهه متحد خلق در طول تاریخ، به این یا آن شکل، به این نظریه منشویکی
شبهت پیدا می کنند. برای نمونه، در جنبش انقلابی امروزی ایران،
نظریات داغ "مجاهدین خلق" در این زمینه گویی کبیله "اسلامی نظریه"
منشویکهاست. "مجاهدین خلق" نیز با تکیه و تاکید بر عقب ماندگی ها
تنگ نظری ها و خصوصیات ارتجاعی باصطلاح "خرده بورژوازی سنتی با
مشابهت های غلیظ فئودالی"، در واقع برای زمینه سازی سلطه و هژمونی
بورژوازی لیبرال "کلاه شرعی" می سازند.

ترفند روزگار آن است که "مجاهدین خلق" نه تنها خود مدعی
آند که جبهه متحد خلق را در میهن ما باید براساس این نظریه شبه
منشویکی سازمان داد - و همگان شاهدند که از این راه در عمل به چه
نتایج اسفباری رسیده اند - بلکه می گویند آن را به عنوان "مارکسیسم
انقلابی" حتی به مارکسیست های ایران نیز تحمیل کنند!

لنین در پاسخ به این نظریات استدلال می کرد که جنبش دموکراتیک
دهقانی، علیرغم تنگ نظری ها و خرافه گرایی ها، از لحاظ عینی و تاریخی
جنبشی مترقی و انقلابی است، که می تواند و باید سهم مهمی در تحولات
دموکراتیک انقلابی جامعه ایفا کند، چیزی که هست:

"هم منطق و هم تاریخ به ما می آموزند که دیدگاه طبقاتی خسردم
بورژوازی ممکن است کم و بیش محدود و یاکم و بیش مترقی باشد، و علت
آن هم دوجنبگی وضع خرده بورژواست. وظیفه ما هم به هیچ وجه نمی
تواند این باشد که در مورد محدودیت... یا تسلط پندارهای خرافاتی بر
او، دست روی دست بگذاریم، بلکه برعکس باید نقطه نظر او را به طور
خشکی ناپذیری وسعت دهیم و به او کمک کنیم تا با ادراک خویش بر
پندارهای خرافاتی غلبه کند." (۱۱)

تروتسکیست ها معتقد بودند که خرده بورژوازی صلاحیت و توانایی
حاکمیت برجسته انقلابی را ندارد و تنها در صورت پذیرش سرکردگی و
حاکمیت پرولتاریا می تواند متحد کارگران باشد. در حوالی انقلاب ۱۹۰۴
آن ها شعاری دادند: "مرگ برتزار، زنده باد حکومت کارگری". همه
پیروان "جمهوری دموکراتیک خلق" در شرایط کنونی جنبش انقلابی ایران
- گو این که در گفتار برای لنین سینه چاک می کنند - در کردار پیرو این
نظریه تروتسکیستی و ضدلنینی هستند، که در نفی خصلت و توانمندی

از همان سنگری به ماشلیک می کنند که ضدانقلاب، به یاری لیبرال ها و
ماژوسیست های آمریکایی، رویاروی جبهه انقلاب بنا کرده است.
لذا به نظر می رسد که لازم است یکبار دیگر نظریات اصولی و اصول
نظریات حزب توده ایران درباره ضرورت ها و امکانات تشکیل جبهه
متحد خلق و دورنمای تاریخی همکاری نیروهای خلقی در راه ساختمان
جامه نوین را مرور کنیم. ما از تکرار این نظریات خسته نمی شویم. تاریخ
رسالت تأمین اتحاد نیروهای خلق را، پیش از همه، به عهده پیشاهنگ
انقلابی طبقه کارگر گذاشته است، و ما از تلاش در راه انجام وظیفه
انقلابی خویش روی بر نمی گردانیم.

جبهه متحد خلق؛ تاکتیک بنیادی پیروان راستین سوسیالیسم علمی

نگاهی به آثار کلاسیک و اسناد معتبر مارکسیستی درباره استراتژی
و تاکتیک مبارزه سیاسی پرولتاریا نشان می دهد که اندیشه تشکیل جبهه
متحد خلق، به مثابه تاکتیک بنیادی و محوری مبارزه انقلابی کارگران
و خلق های تحت ستم، همچون خط سرخی در تمام این آثار، ازمانیفست
تا آخرین مصوبات نشست های احزاب برادر، امتداد یافته است.

"مانیفست حزب کمونیست"، اثر جاویدان و تاریخ ساز مارکس و
انگلس، نخستین نوشته جامعی است که در آن، علاوه بر جهان بینی و
ایدئولوژی، کلیات استراتژی و تاکتیک پرولتاریا نیز توضیح داده شده
است. آخرین فصل این کتاب به "موضع گیری کمونیست ها در قبال
احزاب گوناگون اپوزیسیون" اختصاص دارد. مارکس و انگلس، که در
بخش های پیشین کتاب مواضع کمونیست ها را در برابر سرمایه داری و در
برابر دیگر احزاب کارگری روشن کرده اند، در این فصل رابطه آن ها را
با دیگر نیروهای انقلابی جامعه توضیح می دهند. در همین فصل است
که آن ها رهنمودی جامع الاطراف را عرضه می کنند که بعدها لنین آن را
"حکم بنیادی مارکسیسم درباره تاکتیک مبارزه سیاسی" (۳) می نامد.
این رهنمود از این قرار است:

توطئه ها و دشواری های بیشتری در راه است. مانگران آنیم که وحدت عمل حداقل موجود بر او مقابله
با دشواری های بیشتر آینده کفایت نکند.

"کمونیست ها در راه هدف ها و منافع قوی طبقه کارگر مبارزه می کنند
ولی همزمان با آن، در جنبش امروزی، از فردای جنبش نیز دفاع
می کنند." (۴)

مارکس و انگلس در تشریح این رهنمود، پشتیبانی کمونیست ها را از
نیروهای انقلابی در کشورهای مختلف اروپای آن روز برمی شمارند و به
این نتیجه می رسند که:

"خلاصه آن که کمونیست ها همه جا از هر جنبش انقلابی که ضد نظام
اجتماعی و سیاسی موجود باشد، پشتیبانی می کنند" و "... همه جا برای
برقراری اتحاد و توافق میان احزاب دمکرات همه کشورها جهند
می ورزند." (۵)

در عین حال مارکس و انگلس یاد آور می شوند که: "کمونیست ها پنهنان
نگاهداشتن نظریات و نیت خویش را ننگ می دانند" (۶) و در عین
پشتیبانی از دیگر نیروهای انقلابی، "از حق خود برای انتقاد" (۷) نیز
صرف نظر نمی کنند.

به این ترتیب مارکس و انگلس نشان می دهند که سیاست کمونیست ها
در برابر دیگر نیروهای انقلابی دوجنبه دارد: اتحاد و انتقاد. و پیام
مانیفست در زمینه استراتژی و تاکتیک به این صورت درمی آید: مبارزه با
سرمایه داری و "اتحاد و انتقاد" با دیگر نیروهای انقلابی.

سیاست "اتحاد و انتقاد" یا "اتحاد و مبارزه"، شکل مشخص دفاع
از فردای جنبش در درون جنبش امروزی است. کمونیست ها با اتخاذ
این سیاست همواره در صف نخست جنبش انقلابی واقعا موجود حضور
می یابند، در راه اتحاد همه نیروهای خلقی و انقلابی و گردآوری همه
نیروهای واقعا موجود در مبارزه علیه دشمن مشترک - سرمایه داری -
می رزمند، با روشنگری سیاسی و توضیح مواضع و منافع طبقاتی هر یک از
این نیروها، مانع از انحراف و یا توقف زودرس انقلاب می شوند و تداوم
و تعمیق انقلاب در راه تأمین منافع زحمتکشان را پاسداری می کنند.
سیاست "اتحاد و مبارزه" سیاست تشکیل جبهه متحد خلق است، سیاستی
است که بنیانگذاران جنبش کمونیستی آن را تدوین کرده اند.

مارکس و انگلس در انقلاب ۴۹-۱۸۴۸ آلمان، که در آن به طور مستقیم
و فعال شرکت داشتند، همین سیاست را در برخورد با دیگر انقلابیون آلمان
به کار گرفتند. روزنامه "راین نو" به سردبیری مارکس، کوشش عمده
خود را مصروف افشای تزلزل و سازشکاری بورژوازی لیبرال آلمان در مبارزه
با استبداد سلطنتی، تشویق و ترغیب دموکرات های آلمان در اتخاذ
نقش سلطه و غالب در مبارزه با فئودالیسم و ارتقای دانش طبقاتی و
سیاسی آنان می کرد. انگلس در این باره از مبارزه "مشترک" کمونیست های
آلمان با "طبقه کاسبکاران خرده پیا"، "یابه عبارت صحیح تر به اصطلاح
حزب دموکرات" یاد می کند. (۸)

دومین نوشته جامعی که در آن استراتژی و تاکتیک انقلابی کمونیست ها
مورد بررسی قرار گرفته است، اثر تاریخ ساز لنین به نام "دوتاکتیک
سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" است. اهمیت این کتاب در
گسترش و تکامل آموزش مارکسیستی انقلاب دموکراتیک تا بدانجاست که

- ۳. لنین: "کارل مارکس، زندگی نامه: سیاسی"، ترجمه ف. م. جوانشیر، ص ۵۰
- ۴. مارکس و انگلس: "مانیفست حزب کمونیست"، ترجمه جدید از محمد پورهرمان، ص ۹۷
- ۵. همان جا، ص ۹۹
- ۶. همان جا، ص ۹۹
- ۷. همان جا، ص ۹۹
- ۸. انگلس: "انقلاب و ضد انقلاب در آلمان"، کلیات مارکس و انگلس (به انگلیسی)، جلد ۱۱، صفحات ۳۷-۳۸

در نخستین روزهای پس از پیروزی قیام بهمن، شانزدهمین پلنوم
کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلام کرد:
"... وظیفه مبرم حزب ما، در زمینه فعالیت سیاسی، در مرحله ای
که بلافاصله در برابر ما قرار گرفته، عبارت است از کوشش در ایجاد جبهه
متحد خلق..." (۱)

در برنامه جبهه متحد خلق - پیشنهادی پلنوم شانزدهم، در
توضیح این نکته آمده است:
"انقلاب ایران راهی بس دشوار و سرشار از انواع مخاطرات، توطئه ها
و دسیسه های دشمن در پیش دارد. تاریخ انقلاب به ما می آموزد که پیروزی
انقلاب به مراتب آسان تر از رساندن انقلاب به فرجام آنست. تجربه
انقلاب های بزرگ اجتماعی به ما نشان می دهد که دشمن شکست خورده
در دوران پس از انقلاب سرسختی و مقاومتش ده چندان می شود. تنها با
وحدت عمل و اتحاد کلیه نیروهای ملی و مترقی، فداکاری و قاطعیت
انقلابی در گزینش برنامه های سیاسی و اجتماعی است که می توان برای
دشواری ها پیروز شد و دسیسه ها و توطئه های مخوف اشاردشمن را عقیم
گذاشت. حزب توده ایران برای تشکیل جبهه متحد خلق تمام نیرو
و امکانات خود را به کار خواهد برد." (۲)

بیش از دو سال از آن روزهای طغیان و غلیان می گذرد. این رهنمود،
که طی این مدت روح فعالیت همجانیه حزب توده ایران در جهت تثبیت
تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بوده است، در آن نخستین روزها،
به نظرسنجاری از انقلابیون ایران، غریب، تخیلی و غیر قابل طرح می آمد.
بفرجی مثال زدنی بهم آمیختگی نیروهای انقلابی و سازشکار و ضد انقلابی،
پافشاری بخشی از نیروهای انقلابی در ترسیم مرزهای مصنوعی مذهبی و
غیر مذهبی، مسلمان و غیر مسلمان، به جای مرزهای واقعی انقلابی و
ضد انقلابی مابین نیروهای خلق و ضد خلق، شکاف در میان نیروهای جبهه
خلق، که در برخورد با این یا آن مساله گریه، بخاطر نازل بودن سطح
آگاهی و تجربه گردان های مختلف جنبش انقلابی، به سرعت به دره ای
ژرف مبدل می شد - همه این ها به ظاهر نظر شکاکان را تأیید می کرد. اما
در سخت ترین روزهای پراکندگی و تشتت، ما شک نداشتیم که دیر یا زود
فشار واقعیت، نخستین نشانه های ضرورت و امکان تحقق شعار اصولی حزب

ما - زنده باد جبهه متحد خلق - را آشکار خواهد کرد و صادق ترین
نیروهای انقلاب، آگاهانه یا از روی غریزه انقلابی، با میل یا به جبر،
و اگر نه در گفتار، حداقل در کردار، به سوی این رهنمود ظفر نمون گرایش
نشان خواهند داد. یقین ما، حاصل شناخت علمی ما، تجربه چهل ساله
حزب ما، تجربه هفتاد و پنج ساله جنبش انقلابی ایران از مشروطیت
تا کنون و تجربه صدوسی ساله سوسیالیسم جهانی از روز انتشار "مانیفست
حزب کمونیست" تا به امروز بود.

امروز، روند تجع نیروها حول رهنمود تشکیل جبهه متحد خلق،
علیرغم همه پدیده های منفی، شتابی اندک، اما امیدوارکننده گرفته است.
نطفه های وحدت عمل نیروهای جبهه متحد خلق، بویژه هواداران راستین
سوسیالیسم علمی و مسلمانان انقلابی پیرو امام خمینی، قوام می گیرند و
علیرغم فشار ضد انقلاب، لیبرال ها، ماژوسیست های آمریکایی و قشریون
انحصار طلب، می بالند. هنوز سخن گفتن از تبدیل این نطفه ها به
نهال هایی که در برابر تندباد چرخش های تحمیلی توان مقاومت داشته
باشند، بسیار زود است. اما آنچه که پیش چشم ما می گذرد، بویژه امید
بخشی است که با پیگیری و حوصله و مراقبت انقلابی، که ما آن را در
خود سراغ داریم و از دیگر گردان های انقلاب نیز بعید نمی دانیم،
می تواند و باید به تشکیل جبهه متحد خلق، به عنوان یگانه ضامن
پیروزی بی بازگشت انقلاب شکوهمند مردم ایران بر امپریالیسم و ارتجاع،
فرابریود.

علیرغم کوشش توانفرسایی که حزب ما در راه نزدیکی و اتحاد نیروهای
خلق صرف کرده است سهم عظیمی که در راه وحدت عمل کنونی نیروهای
خلق داشته است، هنوز حتی در میان برخی از دوستان حزب توده ایران
نیز نظرها درباره ضرورت و امکان تشکیل جبهه متحد خلق، نگرش
اصولی حزب ما به این مساله سرنوشت ساز و دورنمای تاریخی همکاری
نیروهای خلقی در راه ساختمان جامعه نوین، به درستی و در تمام
ابعادش درک نشده است. هنوز حتی در میان دوستان ما هستند کسانی
که سیاست اصولی حزب ما را در این باره به نوعی تاکتیک موقتی و، در
معنای عامیانه اش، نوعی "پولیتیک" زبرکانه تعبیر می کنند. از سوی دیگر
ضد انقلاب و لیبرال ها و ماژوسیست های آمریکایی نیز، با سوء استفاده از
این ناآگاهی، با تمامی امکانات گسترده تبلیغاتی که در اختیار دارند،
به تحریف نظریات حزب ما در این باره می پردازند و بر سر "خطر" که گویا
حزب توده ایران با اتخاذ این تاکتیک و با "القاء ایدئولوژی" به مسلمانان
انقلابی پیرو امام خمینی، متوجه انقلاب کرده است، جنجال بیافزینند.
دلایل آن هم روشن است: آنان نیک می دانند که در صورت قوام گرفتن
وحدت عمل نیروهای جبهه متحد خلق راه بازگشتی برایشان باقی نخواهد ماند.
از این رو از جان مایه می گذارند، تا با ایجاد سوءظن نسبت به سیاست
انقلابی سازنده و مثبت حزب ما، که بنا بر ماهیت کارگری و انقلابی
خویش، سهم اساسی را در گسترش و تعمیق تفاهم میان نیروهای خلق
به عهده گرفته است، در این راه سنگ بیندازند. متأسفانه در ماه های
اخیر "مجاهدین خلق" نیز، هم از سر ناآگاهی و درهم اندیشی و هم به
منظور شانه خالی کردن از بازخواست انقلابی حزب توده ایران درباره
سیاست فرصت طلبانه ای که در پیش گرفته اند - به این آرکستر ناساز
پیوسته اند. آنان با طرح این پرسش به شیوه ای آشکارا تحریک آمیز که:
"آیا شما که مدعی هستید صادقانه در خط امام" هستید... قول
می دهید که پس از ایشان نیز همچنان در "خط امام" بمانید و زیر
حرف های امروزتان ننزید؟"

در همان بوقی دیده اند که تاکنون ضد انقلاب و لیبرال ها و
ماژوسیست های آمریکایی، با مقاصد معین و شوم، در آن گلودرنداند و

۱. نامه "مردم"، شماره ۱، ص ۶
۲. نامه "مردم"، شماره ۲، ص ۲

۹. لنین: مجموعه آثار یک جلدی، ص ۲۶۹
۱۰ و ۱۱. لنین: "یک گام به پیش دو گام به پس"، ص ۱۶۲

در ایام آموزشی

دخلاق: اناکتیک؟ هم تاکتیک

انقلابی خرده بورژوازی بانظریه راست گرایانه منشویکی هسته مشترک دارد. لنین در پاسخ این نظریات می گفت:

"... پرولتاریای روسیه اکنون اقلیت مردم روسیه را تشکیل می دهد. این پرولتاریا فقط در صورت اتحاد با انبوه نیمه پرولترها و نیمه چیزدارها، یعنی با انبوه تهریستان خرده بورژوازی شهر و ده می تواند به اکثریت عظیم وقاطع بدل گردد. وجود چنین ترکیبی درپایه اجتماعی... در ترکیب دولت انقلابی تاثیرمی بخشد و شرکت و یا حتی تفوق بیانگران بسیار ناهمگون دمکراسی انقلابی را در این دولت ناگزیرمی سازد." (۱۲)

به این ترتیب لنین، با پذیرش امکان "تفوق بیانگران ناهمگون دمکراسی انقلابی" در دولت انقلابی برآمده از متن قیام، شرط گذاریها و محدودیت های مصنوعی و بی ارتباط با تناسب عینی نیروها را برای همکاری کمونیست ها و دموکرات ها در جبهه متحد خلق، از پیش رد می کرد و از نظر تئوریک، وسیع ترین امکانات را برای تشکیل جبهه متحد خلق فراهم می آورد.

در آثاری که لنین، پس از کشف قانونمندی های امپریالیسم، بمثابة آخرین مرحله سرمایه داری، نوشته است، این اندیشه بنیادی بسط یافته و بر شرایط فرنج دوران نوین تاریخی انطباق داده شده اند. بویژه آنچه که در فاصله دو انقلاب فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ نوشته شده است، بیانگر

پیروزی قطعی و نهایی آن است. ما با اعتماد به این جبهه، علیرغم همه دشواریها، بفرنجی هاء سر انجام تشکیل خواهد شد.

جستجوی پیگیر و دائمی لنین برای یافتن راهها و اشکال تازه ای است که، با تأمین اتحاد پیکارجویانه نیروهای خلق، بویژه بفرنج و دردناک تعمیق و تحول کیفی انقلاب را آسان تر کند. کوشش پیگیر بلشویکها، به رهبری لنین، برای اتحاد نیروهای خلقی در درون شوراها کارگران و دهقانان برای دستیابی به نظامی که "هنوز سوسیالیسم نیست، اما دیگر سرمایه داری هم نیست" (۱۳) و تأکید بر امکان هر اندازه محدود، اما ارزشمند گذار مسالمت آمیز، به انقلاب سوسیالیستی از این طریق، نمونه درخشان تکاپوی خلاق اندیشه لنین در این راستاست. استدلال اصلی لنین در پیش بینی امکان تحول مسالمت آمیز انقلاب این بود که، در صورت اتحاد بلشویکها با دموکرات های انقلابی در شوراها کارگران و دهقانان، این نهادها بدل به آنچنان قدرتی خواهند شد که بورژوازی یاری مقاومت در برابر آن را در خود نخواهد دید. اتحاد خلق ضامن اصلی پیروزی اوست. بویژه که اتحاد پرولتاریا با اکثریت عظیم و قاطع زحمتکشان خرده پسا می تواند و باید حتی در جریان ساختمان سوسیالیسم نیز دوام بیاورد. فرمول بندی صریح لنین درباره چگونگی اتحاد خلق، در مراحل گوناگون گذار از انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی، تجسم این واقعیت است که سوسیالیسم هیچ گونه تضادی با منافع واقعی و عینی اکثریت عظیم و قاطع خلق ندارد.

"چپ روی، بیماری کودکی کمونیسم" اثر دیگری است که در آن نظریات لنین درباره تاکتیک بنیادی مبارزه سیاسی کمونیست ها به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. در این اثر بر پایه، که نقش خاصی در گسترش و تکامل استراتژی و تاکتیک مارکسیست ها در دوران نوین داشت، بخش مهمی از کتاب به توضیح ضرورت اتحاد و وحدت عمل کمونیست ها با دیگر نیروهای خلقی در کشورهای اروپایی اختصاص دارد. لنین با قاطعیت سازنده خاص خویش، دیدگاه های متعجز و فرقه گرایانه کمونیست های چپ رو اروپایی را درهم می کوبد و به جای آن "اصولیت نظری و انعطاف عملی" بلشویکی را در راه تأمین اتحاد خلق توصیه می کند.

پس از لنین، جریان ادراک، گسترش و پرداخت اندیشه "جبهه متحد خلق"، بمثابة تاکتیک بنیادی مبارزه سیاسی پیروان سوسیالیسم علمی مراحل مختلفی را از سر گذرانده است. در این میان رهنمودهای کنگره هفتم کمینترن (۱۹۳۵) را بی گمان باید نقطه عطف دانست. کنگره هفتم کمینترن با آموزش از تجربه عینی کمونیست های فرانسه در تشکیل جبهه واحد ضد فاشیستی، و گسترش و تعمیم این آموزش در پرتو رهنمودهای مارکسیست - لنینیستی، به فرمول بندی صریح و دقیقی درباره چگونگی تشکیل جبهه واحد خلق در مبارزه با فاشیسم، دولت ائتلافی

۱۲. "لنین در مقابله با ترسکسیم"، ترجمه محمد پورهرمان، ص ۲۷، تأکید از ماست.
۱۳. لنین: مجموعه آثار یک جلدی، ص ۵۰۳

نماینده این جبهه و جبهه واحد ضد امپریالیستی در کشورهای استعمارزده دست یافت (۱۴). این فرمول بندی ها نقطه شروعی برای گسترش و پرداخت بعدی استراتژی و تاکتیک مارکسیست ها شد. امروز در کشورهای امپریالیستی، کمونیست ها، به انگای اندیشه مارکس و انگلس و لنین، در راه تأمین وحدت پیکارجویانه خلق علیه انحصارهای بزرگ امپریالیستی و دولت های کارگزار آن ها می رزمند. در کشورهای استعمارزده نیز پیگیری نظریات مارکس و انگلس و لنین و رهنمودهای کنگره هفتم کمینترن به تدوین نظریه راه رشد غیر سرمایه داری (سمت گیری سوسیالیستی) انجامیده است. بر اساس این نظریه، امروز در شرایط سومین مرحله بحران عمومی امپریالیسم، در دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، تحت تاثیر تغییر تناسب قوا مابین نیروهای سوسیالیسم و امپریالیسم در سطح جهانی:

۱- دموکراسی انقلابی در نظر و عمل تا آن حد ارتقاء یافته است که بهترین نمایندگان آن می توانند، با یاری گرفتن از امکانات نوینی که در سطح جهانی بوجود آمده است، انقلاب دموکراتیک ملی را، با اجتناب از راه رشد سرمایه داری، رهبری کنند.

۲- کمونیست ها در کشورهای استعمارزده وظیفه دارند که با تمام قوا در راه پیروزی انقلاب دموکراتیک ملی به نمایندگان دموکراسی انقلابی یاری رسانند.

۳- در کشورهای مختلف، به تناسب شرایط ویژه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، راهها و اشکال ویژه ای از رشد و تکامل جنبش ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری بوجود می آید. کمونیست ها وظیفه دارند که این شرایط و اشکال ویژه را بشناسند و فعالیت خود را با قانونمندی تکامل این اشکال انطباق دهند.

این اصول امروز پایه نظری فعالیت پیروان راستین سوسیالیسم علمی را در جنبش های رهایی بخش ضد استعمار و نواستعمار تشکیل می دهد. بر اساس این نظریات است که کمونیست های سوریه مسئولیت شرکت در دولت ضد امپریالیست و ضد صهیونیست را به عهده می گیرند، توده های در ایران دوشادوش مسلمانان انقلابی پیرو خط امام خمینی در راه دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی به رهبری امام خمینی جان بازی می کنند و پیشاهنگان سوسیالیسم در الجزایر، علیرغم تضییقات غیردموکراتیکی که

حکومت برایشان ایجاد کرده است، از پشتیبانی بی تزلزل از جنبه های ضد امپریالیستی سیاست رهبری کشور دست بر نمی دارند.

کسانی که مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران را در دفاع از انقلاب و پشتیبانی از رهبری امام خمینی و کوشش در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، به "پولیتیک" تعبیر و مارا به "ریاکاری" متهم می کنند اگر ریگی در کفش ندارند، باید توجه داشته باشند که یکی از مهم ترین شاخص های پیروان راستین سوسیالیسم علمی، در طول تاریخ و در سراسر جهان، "وحدت نظرو عمل" آن هاست. سوسیالیسم در نظر، در تئوری هیچ تضادی با منافع واقعی و وسیع ترین اقشار خلق ندارد. سوسیالیسم در عمل، و در پراکتیک نیز نمی تواند و نباید با تکامل جنبش انقلابی تمام خلقی تناقض داشته باشد. در واقع اگر حزب توده ایران سیاستی جز هنگامی خلاق و سازنده با جنبش انقلابی تمام خلقی در پیش می گرفت، "ریاکار" و "منافق" می بود و در عمل به راهی می رفت که بانظریه باطنی اش متفاوت می بود.

جبهه متحد خلق: هم استراتژی، هم تاکتیک

از آن چه گذشت، روشن می شود که، از نظر تئوریک، کوشش مارکسیست - لنینیست ها برای تشکیل جبهه متحد خلق، تاکتیکی است که ابعاد استراتژیک دارد و به این بیان مرحله گذرای تکامل جنبش محدود نمی شود. پیروان راستین سوسیالیسم علمی در تمامی مراحل رشد و تعمیق انقلاب، از انقلاب دموکراتیک ضد امپریالیستی تا انقلاب سوسیالیستی منادی اتحاد نیروهای انقلابی و خلقی، پیرامون برنامه مشترک سیاسی و اجتماعی هستند، که منافع اکثریت عظیم و قاطع خلق را تأمین می کند.

البته در جریان رشد و تعمیق انقلاب، ترکیب، کیفیت و کیفیت جبهه متحد خلق خواه ناخواه تغییر خواهد کرد. برخی نیروها در میانه راه از آن خواهند برید و برخی دیگر بدان خواهند پیوست. اما این امری نیست که به خواست و اراده مارکسیست ها و تصمیم گیری مصنوعی آن ها بستگی داشته باشد. این منطق تکامل و زرفش انقلاب است. پیروان راستین سوسیالیسم علمی پیشاپیش هیچ نیرویی را از شرکت در این اتحاد محروم نمی کنند. برعکس، این نیروهای سیاسی وابسته به طبقات استثمارگر هستند که در این یا آن مرحله از زرفش انقلاب، از وفاداری به آرمان های خلق سرب می پیچند و در برابر جبهه متحد خلق قد علم می کنند. نمونه سربچی لیبرال های ایران از وفاداری به هدف های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، خود شاهدهی عینی است که خلق ما آن را تجربه و لمس کرده است.

آنان که سیاست اصولی و انقلابی حزب توده ایران را بدون پیشداوری دنبال می کنند، به یاری دارند که ما در سر آغاز انقلاب به درستی ایمن سربچی را پیش بینی کردیم و آن را با خلق در میان گذاشتیم. اما در بدو امر هرگز نگفتیم و نخواستیم که این یا آن عنصر و یا سازمان لیبرالی را باید پیشاپیش از شرکت در جبهه متحد خلق محروم کرد. فقط آن گاه که فلان یا بهمان جریان لیبرالی در عمل نشان داد که دیگر به آرمان های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایران وفادار نیست، بلکه آشکارا قصد آن دارد که انقلاب را به سازش با امپریالیسم و ارتجاع بکشد، یک لحظه نیز در افشای آن و کوشش برای مفرد کردن آن از جبهه انقلاب درنگ نکردیم. پیروان راستین سوسیالیسم علمی هیچ شرطی را از پیش برای شرکت در جبهه متحد خلق تعیین نمی کنند، مگر وفاداری به برنامه انقلاب و بنه آرمان های خلق. از نظر ما حتی پذیرش حاکمیت این یا آن نیرو، انقلابی

شرکت کننده در جبهه متحد خلق را نمی توان از پیش شرط شرکت در جبهه متحد خلق قرار داد. انقلاب خود رهبر خویش را برمیگزیند.

البته در جریان رشد و گسترش انقلاب ممکن است حالتی پیش بیاید که در آن اجرای برنامه انقلاب جز با پذیرش و تقویت حاکمیت این یا آن نیروی انقلابی ممکن نباشد. اما این نیز امری نیست که یکی از نیروهای جبهه متحد خلق به قیومیت مردم در مورد آن تصمیم بگیرد. خلق خود در جریان کار و پیکار تصمیم خود را خواهد گرفت و نیروهای وفادار به خلق ناگزیر از پذیرش آن خواهند بود.

برای نمونه در انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران رتوس برنامه مورد توافق همه نیروهای انقلابی راستین از آغاز، سرنگون کردن رژیم جنایتکار سلطنتی، قطع وابستگی ایران به امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، پایان دادن به غارت سرمایه داران وابسته زمین داران بزرگ، تأمین آزادی همه نیروهای انقلابی و پیشرفت جامعه به سود زحمتکشان بوده و هست. این برنامه بیانگر منافع اکثریت قاطع خلق های ایران است. در جریان شعله ور شدن انقلاب خیلی زود روشن شد که اجرای این برنامه - و یا دست کم بخش بزرگی از آن - در تناسب قوای مشخص میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در ایران، جز با پذیرش و تحکیم و تقویت رهبری امام خمینی ممکن نیست. امروز در صحنه انقلاب، با تمام بفرنجی ها، این نکته روشن است که سقوط رهبری ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی - که امپریالیسم و ارتجاع، به دست یاری لیبرال ها و مائوئیست های آمریکا، بدان کمر بستند - تمامی آرمان های خلق را به باد خواهد داد و راه را برای تسلط مجدد نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم باز خواهد کرد. به این ترتیب پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی در عمل به صورت شرط شرکت در جبهه متحد خلق درآمده است، و هر نیرویی که این شرط را نپذیرد، حتی اگر صمیمانه ترین نیات انقلابی را در سینه خود انبار کرده باشد، در عمل آب به آسیاب امپریالیسم و ارتجاع خواهد ریخت.

یک مثال دیگر: در انقلاب افغانستان، آن نیرویی که پیشاپیش دیگر انقلابیون حکومت ارتجاعی داود خان را سرنگون کرد و به اجرای برنامه انقلاب پرداخت، حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود.

اندیشه تشکیل جبهه متحد خلق، به عنوان اصل محوری مبارزان انقلابی، کارگران و خلق های تحت استعمار، همچون خط سرخی در آثار مارکسیستی از ۱۳۰ سال پیش تا امروز امتداد یافته است.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به دست یاری مائوئیست های خانت بیسته حاکم بر چین و رژیم مزدور پاکستان و به انگای نیروهای که فئودالها و سرمایه داران افغانی آن ها را به مزدوری گرفته و یا فریب داده و بسج کرده بودند، جنگی اعلام نشده با انقلاب افغانستان را آغاز کردند. بی شک در میان مسلمانان افغانستان نیروهای صادق و ضد امپریالیستی بودند و هستند که گمان می بردند که در صورت همکاری و همکاری با نیروهایی که اکثریت قاطع آنان را مزدوران و فریب خوردگان امپریالیسم و ارتجاع تشکیل می دهند، موفق خواهند شد حکومت انقلابی کنونی را سرنگون کنند و خود جانشین آن شوند. غافل از آن که، در تناسب قوای مشخص انقلاب افغانستان، سرنگونی حاکمیت انقلابی کنونی بدون کوچک ترین شک و تردید، حکومتی ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم بر سر کار خواهد آورد، که این مسلمانان را نیز در کنار سایر نیروهای انقلابی افغانستان قلع و قمع خواهد کرد. عدم شناخت این قانون علمی تاریخ، که انقلاب خود رهبر خود را بر میگزیند و خود پذیرش این رهبری را به صورت شرط پیروزی و رهایی خلق اعمال می کند، کار اینان را به آنجا کشاند که به جای پذیرش دعوت های مکرر حکومت انقلابی افغانستان برای شرکت در جبهه متحد خلق برای نوسازی افغانستان مستقل، آزاد و آباد، در مقابل آن ایستادند، و خود را تباه کردند.

در انقلاب های سوسیالیستی، که در آن ها خواست و برنامه مشترک اکثریت قاطع خلق، ساختمان سوسیالیسم با رهبری حزب پیشاهنگ طبقه کارگر است، باز هم تاکتیک بنیادی پیروان سوسیالیسم علمی تشکیل جبهه متحد خلق است. شرط اساسی شرکت در جبهه متحد خلق پذیرش برنامه آرمان مشترک خلق است. پذیرش رهبری حزب کمونیست نیز تابع همان قانونمندی عام است. همه نیروهایی که این شرایط قانونمند را بشناسند و بپذیرند، می توانند با شرکت در جبهه متحد خلق آزادانه به ساختمان سوسیالیسم و اجرای برنامه انقلاب بپردازند.

تجربه شصت ساله سوسیالیسم واقعا موجود خود بهترین شاهد این مدعا است. در نخستین دولتی که پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت به رهبری لنین در روسیه انقلابی بر سر کار آمد، "سوسیال - رولوسوینر - های چپ" نیز که در آن زمان خود را هنوز در اجرای برنامه انقلاب متعبد می دیدند، در دولت انقلابی شرکت داشتند و تنها زمانی کنار گذاشته شدند که علیه برنامه و رهبری مورد قبول خلق توطئه کردند. امروز میلیون ها مسلمان انقلابی در کنار میلیون ها مسیحی انقلابی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آزادانه و فعالانه برنامه انقلاب را، که منافع خلق شوروی را تأمین می کند، اجرا می کنند.

دموکراسی های خلقی اروپا را همه جا دولت های ائتلافی خلق اداره می کنند. مثلا در جمهوری دمکراتیک آلمان، رهبران چهار حزب غیر کمونیست - که یکی از آن ها حزب دمکرات مسیحی است - معاونان رئیس شورای دولتی (رئیس جمهور) هستند.

در این کشورها جبهه متحد خلق به شکل ویژه ای مراحل مختلف انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی را به هم پیوند زده است.

برای پیروان راستین سوسیالیسم علمی، کوشش در راه تشکیل جبهه متحد خلق، یک تاکتیک کوتاه مدت نیست، تاکتیکی است که ابعاد استراتژیک دارد. کوشش حزب توده ایران در راه تأمین اتحاد همه نیروهای انقلابی به امروز و فردای انقلاب محدود نمی شود. ما شکنداریم که می توانیم با بخش عظیمی از پیروان اسلام راستین انقلابی، اسلام مستضعفان و استثمارشوندگان، در دوران ساختمان سوسیالیسم نیز اتحاد صمیمانه و استوار خویش را حفظ کنیم.

جبهه متحد خلق: استراتژی یا تاکتیک؟ هم استراتژی، هم تاکتیک

بقیه از صفحه ۵

انقلابیون مخالف تشکیل جبهه متحد خلق چه می گویند؟

"اختلاف مسلمانان انقلابی با پیروان سوسیالیسم علمی در جهان بینی و در ایدئولوژی، مانع اصلی تشکیل جبهه متحد خلق است."

این رایج ترین و اساسی ترین استدلالیست که بخشی از مسلمانان انقلابی، در بیان مخالفتشان با تشکیل جبهه متحد خلق بدان استناد می کنند.

این استدلال، بواقع، پوششی است که شدیدترین گرایش های انحصارطلبانه را استوار می کند. جبهه یعنی شکل و چارچوبی سیاسی برای همکاری نیروهایی که ممکن است در جهان بینی و ایدئولوژی ناهمگون باشند، اما در اجرای برنامه سیاسی و اجتماعی واحدی با هم توافق دارند.

اما مقصد ما در این مختصر عریضه نویسی عدالت خواهانه نیست. سخن بر سر سرنوشت انقلاب خلق است. سخن بر سر آن است که یک چنین نظری، که به هیچ وجه با واقعیتها و ضرورت های تکامل و پیروزی جنبش خلق تطبیق نمی کند، به شدت به منافع خلق لطمه می زند و انقلاب را آشکارا در معرض خطر مسخ و براندازی قرار می دهد.

ما معتقدیم که یک انقلابی نمی تواند و نباید نسبت به واقعیت جهان و جامعه ای که در آن به نبرد انقلابی برمی خیزد، بی اعتنا و بی تفاوت باشد. نادیده گرفتن واقعیتها باعث سترون شدن قدرت خلافت و استعداد پیشرفت انقلابیون و انقلاب می شود. همه انقلاب های شکست خورده ناقص مانده و مسخ شده، هر یک به نحوی با این مشکل، با مشکل واقع گریزی و واقع ستیزی فلج سازنده و عقیم کننده بخش مهمی از انقلابیون روبرو بوده اند.

این واقعیت که جامعه از طبقات و اقشار مختلفی تشکیل شده است که منافع آنان در نبرد با امپریالیسم و ارتجاع یگانه نیست، انکارناپذیر است. این اختلاف نمی تواند به پیدایش جهان بینی ها و ایدئولوژی های گوناگون و از جمله اختلاف در برداشت اجتماعی و سیاسی از اسلام نیانجامد. هیچ نیرویی در این جهان نمی تواند مانع عملکرد ایمن قانونمندی عام اجتماعی بشود.

از سوی دیگر، سوسیالیسم نیز در جهان ما واقعیتی شکوفا، روبه رشد و انکارناپذیر است، که در پیکار ما بین انقلاب و ضد انقلاب در سطح جهان تاثیر تعیین کننده دارد. سوسیالیسم گذشته از یک فلسفه و جهان بینی معین، تئوری و براتیک علمی ساختمان جامعه ای پیشرفته، انسانی و فارغ از ستم و نابرابری و استثمار نیز هست. بی هیچ اغراق در جهان امروز هیچ عنصر و نیروی راستین انقلابی نیست که به نوعی تحت تاثیر این اندیشه و عمل دوران ساز قرار نگرفته باشد. هیچ گرایشی به ساختمان جامعه ای انسانی و انقلابی نمی تواند از روش علمی ساختمان این جامعه بهره نجوید.

یکی از نتایج طبیعی و مانعناپذیر این واقعیت انکارناپذیر دوران ما آن است که، در هر جامعه ای که در آن علم و فرهنگ نشانی هست، و از جمله در میهن ما، گروهی از آگاه ترین، پاک ترین و فداکارترین زحمتمندان و روشنفکران انقلابی، که این اندیشه و این نظریه را بیانگر منافع انقلابی ترین طبقه جامعه ما - طبقه کارگر - و منافع وسیع ترین اقشار خلق و مصالح بشریت مترقی می بینند، به پیروی از آن در سازمان های انقلابی پیرو سوسیالیسم علمی متشکل می شوند. هیچ نیرویی در جهان توان ستیز با این واقعیت قانونمند دوران ما را نیز ندارد. مارکسیسم و مارکسیست ها را نمی توان نابود کرد و ریشه کن ساخت. تا بشریت مترقی هست و تا علم هست، مارکسیسم و مارکسیست ها نیز هستند.

واقعیتی دیگر، که علاوه بر تجربه جنبش های رهایی بخش در سراسر جهان، تجربه یک قرن مبارزه انقلابی در میهن ما نیز بر آن مهر تایید زده است، آن است که، انقلاب شوکوند ما جز به همیاری و همکاری همه نیروهای انقلابی و صدیق، صرف نظر از تفاوت درجهان بینی و ایدئولوژی نمی تواند به پیروزی قطعی و بازگشتناپذیر بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی نایل آید. دشمنان انقلاب نیز این نکته را نیک می دانند و از این رو با تمام نیروی جهنمی خود به شکار موجود ما بین انقلابیون ایران یورش می آورند؛ مسلمانان انقلابی را از توده های ما می ترسانند و توده های ما را به خاطر پشتیبانی از مسلمانان انقلابی متهم به "اپورتونیزم" می کنند، و آن گاه که از این مقدمات طرفی بر نمی بندند، هردو را با هم زیر ضرب می گیرند.

پیروان راستین سوسیالیسم علمی که، بدون هیچ گونه علاقه ای به خود ستایی، خود را دارای رسالتی تاریخی در تامین پیروزی انقلاب و ساختمان جامعه نوین می دانند، همواره بر این واقعیت قانونمند، که پیروزی انقلاب و نوسازی موقیبت آمیز جامعه درگرو اتحاد خلق است، تاکید کرده اند. ما در توضیح تاکتیک بنیادی مبارزه سیاسی مارکسیست ها این نکته را توضیح دادیم. مارکسیست ها حتی در کشورهایی که رهبری انقلاب را در اختیار دارند، با هرگونه گرایش انحصارطلبانه ای که این قانونمندی عام را انکار کند، مبارزه می کنند. آن ها در عمل روزمره نشان داده اند که بیش از هر نیروی انقلابی دیگری بر این نکته آگاهند که تفرقه افکنی چپ روانه یا راست گرایانه در صفوف خلق، تا چه حد به منافع خلق و قبل از همه به منافع طبقه کارگر آسیب می زند.

اما آن گروه از مسلمانان انقلابی که در نظر و عمل با اتحادنیروهای انقلابی، صرف نظر از جهان بینی و ایدئولوژی آن ها، مخالفت می ورزند، منای عمیق این قانون واقعی و عینی را هنوز نشناخته اند. آن ها با این مخالف خوانی، با واقعیت انکارناپذیر و با قانونمندی های عام و جهان شمول جامعه به ستیز برمی خیزند. ولی تاریخ بارها و بارها نشان داده است که گریز از واقعیت و ستیز با واقعیت چه عاقبت شومی دارد.

خوشبختانه در انقلاب ما این گرایش هرگز مطلق نبوده و نیست. خوشبختانه بخشی از مسلمانان انقلابی پیروخط امام و پیشاپیش همه شخص

امام خمینی، علی رغم فشار شدید انحصارطلبان و قشریون راستگرا، با گرایش که این واقعیتها را به کلی نفی می کند، مخالفتند. در همین ماه های اخیر که میهن ما تحت فشار مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم و ارتجاع، بسرگردگی آمریکا، و جاده صاف کن های آنان، با مشکلات بسیار بغرنجی درگیر شده است، امام خمینی از جمله گفته اند:

"عقل سیاسی اقتضا می کند که ما امروز با آن اشخاصی که در رویه هم حتی با ما مخالفت دارند، لیکن در اصل مقصد ما را موافقتند، با ملت موافقتند، مسیرشان مسیر ملت است، عقل سیاسی اقتضا می کند که ما امروز دست از تمام اختلافات برداریم." (۱۵)

وجود آن چه که امام خمینی "عقل سیاسی" می نامند و ما آن را به "واقع بینی" انقلابی تعبیر می کنیم، در میان پیروان خط امام، خوشبختانه باعث شده است که اتحاد پیروان راستین سوسیالیسم علمی و مسلمانان راستین انقلابی، دست کم به شکل محدود در عمل محفوظ بماند و حتی رشد کند و انقلاب بتواند با همه کژی ها و کندی ها، در راستای اصلی خویش پیش برود.

استدلال رایج دیگری که بخشی از مسلمانان انقلابی در مخالفت با اتحاد با پیروان سوسیالیسم علمی می آورند این است که: "مارکسیست هادر دفاع از اسلام راستین انقلابی تعهدی ندارند، و نه تنها تعهدی ندارند، بلکه هم گاهی تاکتیکی آن ها با اسلام انقلابی برای آن است که به سه اعتقادات مذهبی مسلمانان خدشه وارد آورند."

امپریالیسم، ضد انقلاب و همه هواخواهان نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم از برجسته کردن و تکرار اختلاف نظر معتقدان به مذهب با سوسیالیسم علمی در زمینه فلسفی، خسته نمی شوند. روی حساسیت بسیاری از مسلمانان انقلابی تکیه می کنند و به این حساسیت دامن می زنند، زیرا می دانند که بسیاری از مسلمانان انقلابی اصیل و صادق ایران از نظر واقعی سوسیالیسم علمی درباره مذهب متأسفانه بی اطلاع یا کم اطلاعند و در نتیجه نسبت به نگرش واقعی پیروان سوسیالیسم علمی سوئظن ریشه داری دارند. "چشم اسفندیار" اسلام انقلابی سالهاست که هدف تیره های زهرآلود دشمنان اسلام انقلابی و دشمنان استقلال و آزادی و پیشرفت میهن ماست. و متأسفانه آنان بر سر پیچها و گذرگاه های حساس تاریخ حاضر ایران، از این نقطه ضعف سوء استفاده های بسیار کرده اند.

ما می گوئیم که اختلاف نظر در زمینه های ایدئولوژیک و فلسفی، مانع همکاری و تقاضای در عرصه های سیاسی و اجتماعی و در مبارزه مشترک با دشمنان واحد نیست. برجسته سازی و عمده کردن بی موقع و بی ضرورت اختلاف نظرها به وجوه وحدت و همکاری، که ضرورت حاد و مبرم روز و مطمئن ترین پشتوانه برای پیشبرد آماج اساسی انقلاب است، لطمه می زند. و این قصور یا "روشن بینی" و "عقل سیاسی" ناسازگار است.

نگرش جامع مارکسیسم - لنینیسم نسبت به مذهب، وجوه تشابه زیادی با نگرش مسلمانان انقلابی دارد. و این محلی مطئن برای

با تشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم

تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب تنها و تنها در گرو تهنیت توده ها برای دفاع از این دستاوردها و برای گرفتن حقوقشان از غارتگران است. و تهنیت توده ها تنها در گرو حرکت به سوی اتحاد و همکاری همه نیروهای خلق، صرف نظر از هرگونه تفاوت فکری و سیاسی و ایدئولوژیک، درجبهه متحدی است که از یکسو با تمام توان خود در مقابل دسایس و توطئه ها و تجاوزات سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی دشمنان انقلاب و در راس همه امپریالیسم آمریکا ایستادگی کند و یک گام عقب ننشیند و از سوی دیگر با تمام توان خود برای از بین بردن پایگاه های اصلی ضدانقلاب و امپریالیسم در پشت این جبهه نبرد در سراسر جامعه ایران، یعنی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری و همه جریان های سیاسی و یا به ظاهر مذهبی وابسته به آن مبارزه کند.

چنین اتحادی هنگامی پایدار و پابرجا و موثر خواهد بود که از درون صفوف خلق بجوشد و در جریان مبارزه برای هدف های انقلابی خلق آبدیده شود. پی ریزی چنین اتحادی تنها از راه تقویت همجانیه شوراهای عام مردمی میسر است، شوراهائی که به جز وابستگان و سرسپردگان سیاسی و اقتصادی به ضدانقلاب، همه مردم را در برگیرد و از هرگونه انحصارطلبی این ویا آن گروه آزاد باشد.

برای به راه انداختن یک چنین جریانی، حزب توده ایران پیشنهاد می کند که برای بررسی راهها و تصمیم گیری در زمینه تائید اتحاد عموم خلق، بی درنگ شورای تفاهم ملی از کلیه گروه ها، احزاب و شخصیت های سیاسی که اصول مشترک پاسداری و نگاهداری از انقلاب را صادقانه می پذیرند، تشکیل گردد. همان اصولی که طی رهنمودهای مختلف سیاسی و اجتماعی امام خمینی بازتاب یافته اند و مورد تایید توده های ده ها میلیونی محرومان جامعه هستند.

در یک چنین شورا و یا کنفرانس تفاهم ملی می توان جبهه فراگیر اتحاد مردمی، جبهه متحد نیروهای راستین انقلاب و یاجبهه متحد خلق را شالوده ریخت.

(از: برنامه حزب توده ایران مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران)

مبارزه طبقاتی روبرو بشویم. (۱۶) این گفته لنین اساس اسلوب مارکسیستی برخورد با مذهب را تشکیل می دهد. پیروان راستین اندیشه های مارکس و انگلس و لنین نیز مانند مسلمانان راستین انقلابی دو نوع مذهب می شناسند: مذهب طبقه حاکم و مذهب طبقات محروم، مذهب استثمارکنندگان و مذهب استثمار شوندهگان. اولی را محکوم می کنند و دومی را می ستایند.

کسانی که می خواهند نگرش جامع مارکسیسم نسبت به مذهب را دریابند، خوب است کتاب "جنگ دهقانی در آلمان"، اثر برجسته انگلس، را بخوانند و ببینند که چگونه او از مذهب کشیش انقلابی "مونتسر"، که عیسی مسیح را فرستاده خدا برای استقرار عدل بر روی زمین می دانست، در برابر مسیحیت کلیسای کاتولیک مدافع فتوالمیسم حمایت می کند. (۱۷)

چنین است که پیروان راستین سوسیالیسم علمی در ایران، به پیروی از رهنمودهای بنیانگذاران این اندیشه و به ساقه تعهد انقلابی خویش، وظیفه دارند که پشتیبان اسلام انقلابی امام خمینی باشند و در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جان بپازند و خسون بدهند، بی این که در این بین در اندیشه واقعی شان شائبه های راه یافته باشد و در خود زیب و زیبای سراغ کنند.

ادعا می کنند که اتحاد با پیروان سوسیالیسم علمی خطرناک است، زیرا که گویا آن ها مترصد فرصتند، تا در زمان مناسب، سرمتحدان خود را زیر آب کنند و به اصطلاح از پشت به آن ها خنجر بزنند.

بمجازات ادعا می کنیم که کسانی که چنین اتهامی را نسبت به مارکسیست های واقعی روا می دارند، از تمام تجربیات جنبش انقلابی جهانی نمی توانند حتی یک نمونه - تاکید می کنیم - حتی یک نمونه تاریخی شاهد بیاورند که در آن، پیروان راستین سوسیالیسم علمی، در روی گرداندن از متحدان انقلابی خود پیشقدم شده باشند و یا علیه حکومتی انقلابی، که به پیمان خود با خلق وفادار مانده باشد، توطئه کنند و یا به مبارزه قهرآمیز دست بزنند. افسانه "ناروزدن" مارکسیست ها را آن نیروهای ساختمانده که خود رفیق نیمه راهند و توان ادامه انقلاب تا به آخر را در خود نمی بینند و چاره را در رواج سوءظن و نفاق در میان پیوندگان واقعی راه انقلاب دیده اند.

برعکس، واقعیت تاریخی حاکی از آنست که همواره این کمونیست ها بوده اند که در لحظه چرخش سیاست متحدان خویش، از دوستان نیمه راه ضربه خورده اند. نمونه چین پس از سون یات سن، که در آن طرفداران چیانگ کایچک به قتل عام کمونیست ها پرداختند، نمونه مصر انور سادات، سودان جعفر نمیری و عراق صدام حسین مشتی از خروارند. سیاست همکاری کمونیست ها با دیگر نیروهای خلقی و انقلابی، همواره آنان را در معرض قربانی شدن در نخستین حمله ارتجاع قرار داده است. بسا این همه، کمونیست ها، که این سیاست را جز به سود خلق نمی دانند، پذیرفته اند که سرنوشت انقلاب با سرنوشت آنان گره بخورد و در سرآغاز شکست هر انقلابی، آنها پیشاپیش خلق قربانی شوند.

برخی از مسلمانان انقلابی، با اشاره به اشتباهات برخی از پیروان سوسیالیسم علمی و از جمله ارزیابی نادرست ما از رهبری دکتر مصدق در ماه های نخست نهضت ملی شدن نفت، استدلال می کنند که مارکسیست ها، اگر هم حسن نیت داشته باشند، ممکنست به اشتباه به نهضت لطمه بزنند، پس اتحاد با آنان همچنان خطرناک است!

پاسخ ما به این شبه استدلال روشن است: ما می گوئیم که مارکسیست ها هم مانند هر نیروی انقلابی دیگری اشتباه می کنند، اما آنان به دلیل پیش علمی و تعهد انقلابی خویش نسبت به جنبش خلق، اولاً کمتر از دیگران اشتباه می کنند، و ثانیاً برای اصلاح اشتباهات خویش بیش از دیگران توانایی و آمادگی نشان می دهند. در همین نمونه تاریخی سیاست ما نسبت به دکتر مصدق، این درست است که ما در دوره معین و محدودی موفق نشدیم شیوه برخورد مارکسیست - لنینیستی را در ارزیابی جنبش ملی شدن نفت و ترکیب ناهمگون رهبری آن به درستی بکار بندیم. اما این هم درست است که ما سرانجام خود بر این اشتباه فایق آمدیم و در ماه های سرنوشت ساز نهایی جنبش، پیشاپیش معدودی از پیروان راستین دکتر مصدق، تنها پشتوانه و پشتیبان بیگیر و انقلابی نهضت و رهبری آن بودیم. و پس از شکست جنبش نیز در واقع ما بودیم که قربانی شدیم نه دیگران.

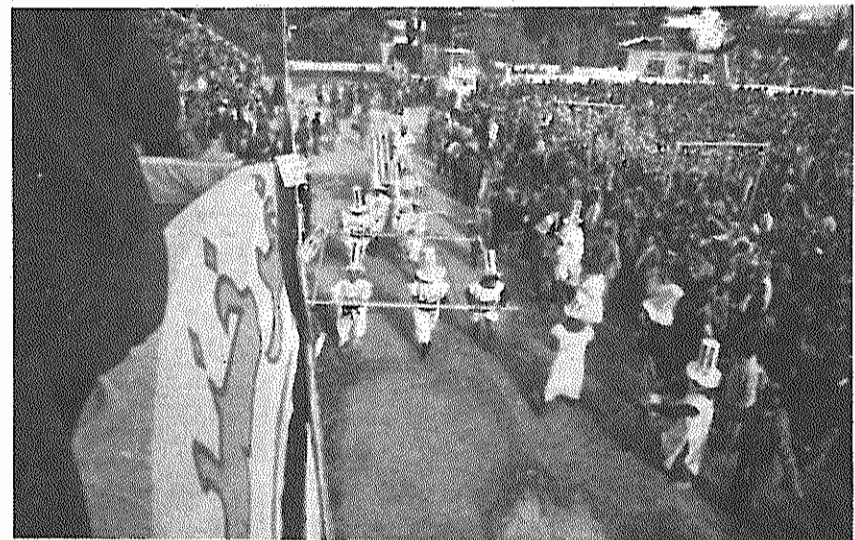
دیدن این بخش از تاریخ و ندیدن آن جنبه از آن، آیا ناشی از بهانه جویی صرف نیست؟ مگر در تاریخ صدساله جنبش انقلابی ماصر ایران، مسلمانان انقلابی کم اشتباه کرده اند؟ و از تضاد کم با تعصب تمام بر این اشتباهات اصرار ورزیده اند؟ ما اگر کودکانه بخواهیم مقابله به مثل کنیم، می توانیم از این اشتباهات طومارها تهیه کنیم. اما نقش و رسالت انقلابی ما، تاکید بر نکات منفی فعالیت متحدان انقلابی ما نیست. ما عقیده داریم که آن انقلابی که وظیفه خویش را چنین می بیند، ناآگاهانه بر ریشه خویش و بر ریشه جنبش خلق تیشه می زند.

برخی بهانه جویان شکر دیگری نیز دارند. آنان به اصرار تمام می گویند که فعالیت خرابکارانه و ضدانقلابی چپ نمایان را به حساب پیروان راستین سوسیالیسم علمی بنویسند و از این طریق ناآگاهانه و ناخواسته برای این گروه ها اعتبار و اصالت بترانند. غافل از آنکه کمونیست قلمداد کردن مائوئیست ها و تروتسکیست ها و آنارشیست ها - یکی از شکرده های امپریالیسم و عمال و دوستان امپریالیست ها است که، به گواهی تاریخ، بطور مستقیم یا غیرمستقیم، در ایجاد و تقویت این جریان ها دست داشته و دارند. اگر حقیقتان سال های سیاه ستمشاهی پرده ابهام بر این واقعیت کشیده بود، در این دوساله، انقلابیون راستین برای تشخیص آن از نظر عینی مشکلی نداشته اند. امروز واقعیت آشکارتر از آفتاب است. مارکسیست های راستین در کنار خلق و انقلاب، و چپ نمایان آلت دست جبهه امپریالیسم و ارتجاعند. چه اصراری در مخدوش کردن این واقعیت، که جز به سود انقلاب نیست، دارید؟

می گویند: هدف استراتژیک مارکسیست ها سوسیالیسم است. اختلاف آرمان نهایی مسلمانان انقلابی با هدف استراتژیک مارکسیست ها مانع اتحاد این نیروها می شود. "عقل سیاسی" این ایراد را نیز منطقی نمی داند. مگر ما خواستار تشکیل جبهه متحد خلق برای انقلاب سوسیالیستی هستیم؟ ما می گوئیم پیروزی قطعی و بازگشتناپذیر انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های امپریالیسم و ارتجاع، بقیه در صفحه ۳

۱۶. لنین: کلیات، چاپ ۱۹۶۵، جلد ۱، ص ۸۶
۱۷. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به مصاحبه ف. م. جوانشیر با "ضمیمه نامه مردم برای جوانان توده" - شماره ۴ دی ماه ۵۹.

جنبش سندیکائی ایران، بخش جدائی‌ناپذیر انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است



اجرای کارناوال ضد امریکائی در جشن اول ماه مه، در استادیوم نصیری

در مراسم اول ماه مه در استادیوم نصیری، دیر «انجمن همبستگی» سخنران اصلی بود، که اینک خلاصه‌ای از این سخنرانی را در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم.

حسن نعمتی دبیر «انجمن همبستگی» پس از تبریک به شرکت کنندگان در میتینگ اول ماه مه و تشکر از سندیکاهای شوراهای کارگری و انجمن‌ها و سازمان‌ها و احزابی که دعوت انجمن همبستگی را برای شرکت در مراسم اول ماه مه پذیرفته‌اند، از جمله گفت:

«امسال ما در شرایطی روز همبستگی بین‌المللی کارگران را برگزار می‌کنیم که چندین توطئه و تجاوز امپریالیسم، پس‌گردگی امریکائی چنانیکار با همدستی کشورهای مرتجع منطقه و ضد انقلاب داخلی را خنثی کرده‌ایم. امپریالیسم امریکا با شکست تحریکات و تجاوز نظامی خود به ایران، تجاوز جنگی صدام‌مزدور را علیه انقلاب اسلامی ما تدارک دید. اکنون که طلیعه شکست نهایی صدام امریکائی با اراده و همت پرتوان نیروهای رزمنده ما آشکار شده است، امپریالیسم و در رأس آن امریکا، توطئه‌های دیگری را در سرسراسر کشور تدارک دیده، که هم‌اکنون نیز در حال اجراست. ناآرامی در مناطق مختلف کشور تهران یا تالش‌های امریکا برای انعقاد پیمان نظامی منطقه حکایت از تعرض همه‌جانبه‌ای دارد که علیه موجودیت جمهوری اسلامی ما در جریان است. نماینده «انجمن همبستگی» سپس گفت:

«انقلاب اسلامی مردم ایران برهبری امام خمینی دویشتوانه

قوی دارد: اول رهبری قاطعانه امام است که در سرنگونی رژیم مستبد پهلوی و طرد امپریالیسم از ایران و مردمی شدن انقلاب نقش برجسته‌ای داشته و دارد.

دوم شرکت وسیع توده‌های زحمتکش - در صف مقدم آن کارگران - در انقلاب است که پشتوانه پیروزیها و تداوم انقلاب است. هم‌اکنون کارگران و زحمتکشان در جبهه و پشت‌جبهه در سنگر و کارخانه، در مزرعه و طول راه‌ها با صرف نیرو و کار شبانه‌روزی، از انقلاب همچون مردمک چشم خود محافظت و تکمیل می‌کنند.

نماینده انجمن همبستگی آنگاه به تاریخ جنبش سندیکائی در ایران اشاره کرد و گفت: «گذری به تاریخ دوساله پیروزی انقلاب نشان می‌دهد که جنبش سندیکائی کارگران نه فقط بصورت فعال و با شرکت میلیون‌ها نفر در دفاع از انقلاب در صحنه حضور دارد، بلکه سرپاخور و رابازسازی میکند. امروز که چنین مراسم باشکوهی بمناسبت اول ماه مه برگزار میشود، خود بی‌افکر آنست که این جنبش کارگران با گامهای استوار به پیش می‌رود و قادر خواهد بود با شور انقلابی و آگاهی سیاسی قدرت تشکیلات صنفی و سندیکائی خود را گسترش داده و در خدمت دفاع از انقلاب و منافع زحمتکشان قرار دهد.

نماینده انجمن همبستگی سپس اصولی را که پایه فعالیت این انجمن و دلیل موفقیت آن است، به شکل زیر برشمرد: «۱- انجمن در فعالیت خود بر مبارزات صنفی کارگران و زحمتکشان ایران در طول نزدیک به ۸۰ سال که از جنبش سندیکائی ایران میگذرد تکیه دارد و تجربیات

آنرا در فعالیت خود بکار می‌بندد و به پیش‌گسوتان این جنبش که وفاداری خود را به طبقه کارگر در پوئه آزمایشهای سخت ثابت کرده‌اند ارج و احترام بسیار می‌گذارد.

۲- انجمن جنبش سندیکائی ایران را بخش جدائی‌ناپذیر انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران برهبری امام خمینی می‌داند و با تمام نیرو از انقلاب دفاع میکند. انجمن امپریالیسم امریکا را غدارترین دشمن مردم و انقلاب ایران می‌شناسد و قطع نفوذ کامل آن را در شئون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وظیفه عمده خود و جنبش سندیکائی ایران تلقی میکند.

۳- انجمن به اهمیت وحدت جنبش سندیکائی کارگران ایران با جنبش بین‌المللی کارگران و زحمتکشان بدورستی واقف است و میدانند که کارگران صرف نظر از نژاد و مذهب و مسلک در مبارزه علیه ظلم و استثمار روهائی از سلطه‌های امپریالیسم و سرمایه‌داری منافع مشترک دارند و تنها با اتحاد و پشتیبانی از یکدیگر میتوانند از خود دفاع کنند.

۴- انجمن به اهمیت استقلال جنبش سندیکائی کارگران و زحمتکشان عمیقاً واقف است و میدانند که علیرغم تفاوت در عقاید سیاسی، و مذهبی در دفاع از حقوق صنفی و اصولی خود اشتراک منافع دارند. ما برای نظریات سیاسی و عقیدتی سازمانهای مختلف سیاسی مذهبی که در خط انقلابند احترام قائلیم، اما معتقد هستیم که تشکل صنفی کارگران و زحمتکشان از این فعالیت‌ها جدا نیست. تشکل صنفی- سندیکائی کارگران و زحمتکشان توده‌ای‌ترین

تشکلی است که زحمتکشان را در راه تحقق مبرم‌ترین خواسته‌هایشان بدرود هم گرد می‌آورد و نسبت به آگاهی آنان در رسیدن به مقصود اقدام میکند. بر همین پایه است که ما از کلیه کارگران و زحمتکشان در کارخانه‌ها، کارگاهها، ادارات و موسسات دعوت می‌کنیم سازمانهای صنفی خود را بر پایه ایجاد سندیکاهای شوراهای کارگری و صنفی بنا کنند و هرچه سریعتر نسبت به ایجاد سندیکاهای رشته‌ای و حرفه‌ای بکوشند و سازمان‌سراسری سندیکائی، اتحادیه‌ای خود را اعم از شاغلان کاریدی و فکری، ایجاد نمایند. ایجاد چنین تشکلی برای کارگران و زحمتکشان از دوجبهت اهمیت دارد. یکی دفاع از انقلاب است که مسلماً امپریالیسم و ضدانقلاب به حملات وسیعتری علیه مواضع انقلابی ما خواهد پرداخت که هم‌اکنون نیز به آن پرداخته است. جلوگیری از اجرای بندهای دج، و ده در مورد تقسیم زمین بین دهقانان و حربه‌های بیکاری، گرانی و تورم و نظایر آن و همچنین ایجاد ناآرامی و آشوب حکایت از توطئه‌های وسیع بزرگ سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و همدستان آنان دارد، که با پشتیبانی امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ما صورت می‌گیرد. برای مقابله با این تحریکات تشکلهای صنفی و سندیکائی کارگران و زحمتکشان امری حیاتی است. از جانب دیگر برای رهائی میلیونها کارگر از وضع سخت و طاقت‌فرسای شرایط کار و تامین کار و بیمه برای کارگران که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن پرداخته شده است تشکل صنفی و سندیکائی اهمیت فوق‌العاده دارد».

نماینده انجمن همبستگی آنگاه با تشریح وضع دشوار کار و زندگی کارگران و زحمتکشان، از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران خواست که هم در رفع این مشکلات اقدام کنند و هم تشکل صنفی و سندیکائی را طبق اصول قانون اساسی به رسمیت بشناسند. نماینده انجمن همبستگی ضمن اعلام همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران با جنبشهای آزادیبخش ملی و تشکر از تمام کشورهای مدافع انقلاب ایران، آمادگی کارگران و زحمتکشان ایران را برای دفاع از انقلاب و مقابله با توطئه‌های امپریالیسم، به سرکردگی امریکا، اعلام داشت. نماینده انجمن همبستگی در پایان سخنان خود بر لزوم وحدت کارگران و زحمتکشان ایران، صرف نظر از هر نوع عقیده و مذهب و مسلک تاکید کرد.

فرزنده هوایمای مهاجم عراقی، که به حریم فضایی جمهوری اسلامی ایران وارد شده بودند، برائس اجرای آتش‌پدافند زمین به هوای ارتش جمهوری اسلامی ایران ناچار به فرار شدند.

ارتفاعات ملکشاهی در جبهه‌های غرب کشور، رزمندگان انقلاب پیشروی تجاوزگران صدامی را متوقف کردند و در نتیجه درگیری با آنان، ۵ سنکر گروهی و یک سنکر مهمات ارتش عراق را به آتش کشیدند. همچنین در یکی از جبهه‌های منطقه ایلام، حمله توپخانه نیروهای دشمن با آتش متقابل رزمندگان انقلاب روبرو شد. در نتیجه تلفاتی به تجاوزگران وارد آمد.

طی روز ۱۱ اردیبهشت، چند

برائس اجرای آتش یکانهای رزمندگان انقلاب بر مواضع دشمن در منطقه قار- المعامر و سیه، یک خودرو نظامی و یک دستگاه بی‌سیم ارتش عراق منهدم و مقدار زیادی از مهمات آنان به آتش کشیده شد. در جبهه آبادان نیز ۲ سنکر اجتماعی و یک مخزن سوخت عراقی‌ها نابود شد. نیروهای صدام نیز بار دیگر با اجرای آتش توپخانه روی مناطق مسکونی آبادان، خسارات و تلفاتی به هم‌میهنان آبادانی وارد کردند. دو

یکی از مناطق...
بقیه از صفحه ۹
ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در جریان این عملیات، که روز جمعه ۱۱ اردیبهشت انجام شد، ۴ تانک، ۲ نفر و خودروی دشمن بکلی نابود شد و ۶۰ تن از تجاوزگران صدامی به هلاکت رسیدند. تعداد مجروحین افراد دشمن در این عملیات ۱۰۰ تن و اسیران عراقی ۳۹ نفر اعلام شده است.

در دو روز گذشته همچنین

شعارهای اول ماه مه

(۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

- ۱- فرخنده باد اول ماه مه روز همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان جهان!
- ۲- پیروز باد انقلاب اسلامی و ضد امپریالیستی مردم ایران!
- ۳- درود به امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران!
- ۴- افتخار به شهیدای انقلاب و شهیدای جنگ علیه صدام‌مزدور و معلولین و خانواده‌های آنان! ما با کلیه آوارگان جنگی عمیقاً ابراز همدردی می‌کنیم.
- ۵- درود به رزمندگان جبهه‌های جنوب و غرب کشور و به همه نیروهای مسلح، که فداکارانه از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و استقلال ایران دفاع می‌کنند!
- ۶- امپریالیسم امریکا دشمن اصلی انقلاب ایران است. وحدت نیروهای انقلاب ضامن پیروزی انقلاب است.
- ۷- کارگران و زحمتکشان ایران تجمع نیروهای نظامی امپریالیستها و در رأس آن امریکا را در منطقه محکوم میکنند.
- ۸- کارگران و زحمتکشان ایران جنگ تحمیلی و تجاوزگرانه صدام‌مزدور را محکوم میکنند و تا شکست قطعی دشمن متجاوز از پای نخواهند نشست.
- ۹- کارگران و زحمتکشان ایران بخاطر تامین استقلال، آزادی و دفاع از جمهوری اسلامی آماده همه‌گونه فداکاری هستند.
- ۱۰- شعار امروز کارگران تلاش شبانه‌روزی برای تولید بیشتر، خدمات زیادتی، فداکاری در جبهه و پشت جبهه و خودداری از کم‌کاری، اعتصاب و تحصن است.
- ۱۱- بزرگ سرمایه‌داران و بزرگ مالکان در کارهای صنعتی و کشاورزی اخلال می‌کنند. با برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه صنایع مادر و اجرای بندهای دج و ده در مورد تقسیم زمین بین دهقانان به این اخلال‌ها پایان دهید. توطئه‌های بزرگ سرمایه‌داران و بزرگ مالکان را علیه انقلاب درهم شکنید.
- ۱۲- تجار عمده، محترمان و واسطه‌ها عوامل اصلی گرانی و گرانفروشی هستند. با اجرای هرچه سریعتر اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی‌کردن بازرگانی خارجی، ایجاد و توسعه فروشگاههای دولتی، تعاونیهای توزیع و مصرف، بازرگانی و گرانفروشی قاطعانه مبارزه کنید.
- ۱۳- حمایت از تولید و توزیع کنندگان خرده‌ها در شهر و ده مورد تایید کارگران است. مستحکم‌باد اتحاد کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهر و ده!
- ۱۴- کارگران خواستار اجرای قانون ۴۴ ساعت کار در هفته در همه‌جا، پرداخت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، انعقاد قراردادها، دستجمعی کار، طبقه‌بندی مشاغل، رفع تبعیض بین زن و مرد، قدغن ساختن کار کودکان، رعایت بهداشت و ایمنی در محیط کار، بیمه بیکاری و تامین اجتماعی، گسترش بهداشت و آموزش رایگان، تامین مسکن و توسعه تعاونیهای کارگری هستند. این خواستها را برآورده سازید.
- ۱۵- تنظیم و تدوین قوانین مترقی کار و تامین اجتماعی باید با شرکت فعال نمایندگان منتخب کارگران بعمل آید.
- ۱۶- بیکاری بالای کارگران است. با ایجاد کار و منع استفاده از ماده ۳۳ و مواد مشابه قانون کار طاقتی وضع کارگران و زحمتکشان را بهبود بخشید.
- ۱۷- تشکل کارگران و زحمتکشان در انجمن‌های صنفی (سندیکاهای و اتحادیه‌ها) از نظر دفاع از انقلاب و تحقق خواسته‌های کارگران، ضروری است. موانع نظام‌طاقتی را از سر راه تشکل و گسترش سندیکاهای شوراهای کارگران بردارید.
- ۱۸- نظام پیش‌بینی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در اداره کشور، تولید و خدمات به اجرا در آورید.
- ۱۹- تشکل صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان وثیقه معتبر سیر انقلاب به پیش است. وحدت کارگران و زحمتکشان پایه مطمئنی برای اتحاد همه نیروها و دفاع از انقلاب و دستاوردهای آنست.
- ۲۰- کارگران و زحمتکشان با تمام نیروها از نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می‌کنند. پاسداران انقلاب! کارگران و زحمتکشان پشتیبان شما هستند.
- ۲۱- هر چه مستحکم‌تر باد اتحاد مدافعین خط امام و نهادهای برخاسته از انقلاب!
- ۲۲- کارگران و زحمتکشان ایران از کلیه کشورهایی که از انقلاب اسلامی ایران جانبداری می‌کنند، پشتیبانی کرده و خواهند کرد.
- ۲۳- حفظ و تحکیم همبستگی کارگران ایرانی با زحمتکشان جهان در مبارزه بخاطر استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی بسود زحمتکشان جهان و انقلاب اسلامی ایران است.
- ۲۴- کارگران ایران از همبستگی بین‌المللی زحمتکشان جهان با تمام نیرو پشتیبانی می‌کنند.
- ۲۵- پیروز باد استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی ایران. کمیته برگزاری روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین
و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

اطلاعیه سازمان حزب توده ایران در ساری:

با حفظ آرامش و نظم انقلابی، توطئه ضدانقلاب را خنثی کنیم

در ارتباط با حوادث اخیر شهرهای شمالی کشور، حزب توده ایران - سازمان ساری اطلاعیه‌ای صادر کرده که متن آن چنین است: مردم مبارز ساری! در زمانی که کشور ما درگیر جنگ تجاوزکارانه آمریکائی و درگیر مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی است، که دشمن اصلی مردم ایران، یعنی آمریکای جنایتکار برای خلق ستمدیده ما دید آورده است، ضدانقلاب سازمان یافته، ساواکی‌ها، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و گروهکهای مائوئیستی - آمریکائی سعی بر این دارند که بر جو تشنج و ناامنی در کشور بیفزایند و از این طریق مردم را نسبت به انقلاب بدبین کنند. آنها می‌کوشند و انمود کنند که نظام جمهوری اسلامی ایران قادر به ایجاد امنیت و برقراری نظم و استقرار قانون نیست. برای اجرای همین نقشه، در چند روز اخیر موج جدید توطئه برخی از شهرها را فراگرفته است و هر روز خبر از درگیری و تشنج و بمب گذاری میرسد. در چنین زمانی تصادفی نیست که شهر ما نیز از این توطئه در امان نمانده است. در دو سالی که از انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی ما میگذرد، این اولین بار نیست که ضدانقلاب سعی در ایجاد تشنج و درگیری دارد. هرگاه امپریالیسم آمریکا در تدارک اجرای توطئه جدیدی است، عوامل خود را در ایران وامی‌دارد که پرده دودی ایجاد کنند، تا او بتواند در پشت آن به اعمال جنایتکارانه خود ادامه دهد. روزهای قبل از تجاوز نظامی طیس و روزهایی هجدهم تیر ۵۹ و روزهای پیش از توطئه تجاوز امپریالیستی صدام خان را بیاد آورید. در آن روزها نیز مانند امروز در گوشه و کنار کشور خبر از بمب گذاری و درگیری و تشنج بود. امپریالیسم آمریکا تصور میکند که

می‌تواند با ایجاد انحراف در اذهان عمومی در اجرای توطئه‌های خود موفق شود. درگیری‌هایی که در چند روز اخیر در شهر ما بوقوع پیوست، در اثر حادثه آفرینی‌های گروهکهای چپ‌پرو، چپ‌نما و راست افراطی بود. در همان حال در این شرایط حساس و بغرنج کشور، مسئولان متعصب و انقلابی شهر نباید دست به اقدامات عجولانه بزنند. بر آن‌هاست که با حفظ کمال خونسردی، ریشه اصلی درگیری‌ها را بیابند و درصدد رفع آن برآیند. عناصر ضدانقلابی را شناسایی، دستگیر و مجازات کنند. نهادهای انقلابی را از عناصر ضدانقلابی پاکسازی کنند و دست عناصر مشکوک و غیرمسئول و انحصارطلب را از این درگیری‌ها کوتاه سازند. مجاهدین خلق!

تاریخ هیچ گناهی را نخواهد بخشید. اعمال خود را مورد ارزیابی مجدد قرار دهید و بخود بیایید و تا دیر نشده، از دامهای ضدانقلاب حذر کنید.

مردم قهرمان ساری! امپریالیسم جنایتکار آمریکا در حال اجرای توطئه هفتم خود علیه انقلاب شکوهمند ما است. با اتحاد و همبستگی این توطئه را هم خنثی کنید.

مرکز امپریالیسم آمریکا
برقرارباد چپه متحد خلق!
حزب توده ایران - سازمان ساری
۱۳۶۰/۲/۱۰

هند از تسلیح پاکستان توسط آمریکا ابراز نگرانی کرد



هند از تصمیم آمریکا درباره رساندن کمک به پاکستان برای تجدید تسلیح ارتش آن ابراز نگرانی کرد. وزیر دفاع هند ضمن ابراز این نگرانی در پارلمان این کشور گفت: «دولت هند اطلاعات موثقی در مورد تصمیم آمریکا درباره تحویل مدرترین سلاح‌ها به رژیم ضیاءالحق و همچنین اعزام تعداد زیادی از مستشاران نظامی به پاکستان را در اختیار دارد.»

کنفرانس بین‌المللی همبستگی خلق کامپوجیا گشایش یافت

کنفرانس بین‌المللی همبستگی با خلق کامپوجیا به ابتکار سازمان همبستگی ملل آسیا و آفریقا در پنجمین گشایش یافت. در این کنفرانس نمایندگان بسیاری از کشورها و عده‌ای از سازمانهای بین‌المللی شرکت دارند.

برگزاری جشن اول ماهمه در نقاط مختلف دنیا

روز اول ماه مه - روز جهانی کارگر - با شکوه تمام توسط کارگران انگلستان، فرانسه، ایتالیا و سوئد برگزار شد. کارگران این کشورها زیر شعارهای دفاع از صلح و ضرورت خلع سلاح، جشن بزرگ روز کارگر را برپا کردند. کارگران از مقامات دولتی خواستند که برای بهبود وضع کارگران و کارمندان و علیه بیکاری روزافزون تدابیر موثری اتخاذ کنند. معاف متری سوئد در میتینگهای استکهلم و شهرهای دیگر سوئد از ایالات متحده آمریکا، بملت افزایش تسلیحات در اروپای غربی شدیداً انتقاد کردند و اعلام داشتند که مصر با استقرار موشکهای جدید آمریکائی مقابله خواهند کرد.

برای رسیدگی به مسأله نامی بیا: گروه کشورهای آفریقائی خواستار تشکیل جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد شد

گروه کشورهای آفریقائی در سازمان ملل متحد، بدنبال محرم قلعه‌های مربوط به نامی بیا توسط آمریکا، انگلیس و فرانسه از شورای امنیت تقاضا کرد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای بررسی مسئله نامی بیا تشکیل شود. در این قلعه‌ها قطع روابط سیاسی و بازرگانی با رژیم آفریقائی جنوبی، قطع ارتباط هوائی و مبادله توریستی، تحریم تحویل اسلحه و نفت به این کشور، که قبلاً اعلام شده، منظور گردیده بود. کورت والدهایم:

پیشنهادهای شوروی برای تحکیم صلح و امنیت ارزش عالی دارد

کورت والدهایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، در یک مصاحبه مطبوعاتی که در آستانه سفر او به شوروی انجام شد، نقش اتحاد شوروی در این سازمان و پیشنهادهای شوروی برای تحکیم میانی صلح و امنیت را دارای ارزش عالی ارزیابی کرد. والدهایم در این مصاحبه ابراز امیدواری کرد که پشتیبانی شوروی از هدفهای سازمان ملل متحد عامل اصلی در جلوگیری از تیرگی روابط بین‌المللی باشد. دبیرکل سازمان ملل متحد علاقه خود را به پیشنهادهای شوروی درباره خلع سلاح و دیگر ابتکارات در زمینه سیاست خارجی، آنگه در کنفرانس بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام شده ابراز داشت.

یوگسلاوی ولیبی استقرار نیروهای واکنش سریع را در کشورهای خلیج فارس محکوم کردند

یوگسلاوی ولیبی توسعه تجاوز اسرائیل به لبنان و استقرار نیروهای واکنش سریع را در خلیج فارس محکوم کردند. این دو کشور اعلام داشتند که از ابتکارات کشورهای عربی در سازمان ملل متحد در زمینه رفع بحران لبنان پشتیبانی خواهند کرد. اعلامیه مشترک دو کشور درباره نتایج دیدار قذافی از یوگسلاوی همچنین حاکی است که طرفین نقشه‌های واشنگتن و لندن را درباره استقرار نیروهای باصلاح سازمان ملل متحد در زمینه رفع بحران لبنان پشتیبانی خواهند کرد. خلیج فارس محکوم کرده‌اند.

گردهمائی جهانی روزنامه نگاران، مداخلات امریکا در السالوادور را محکوم کرد

گردهمائی جهانی روزنامه نگاران در شهر ماناگوا، پایتخت نیکاراگوئه، به پایان رسید. شرکت کنندگان در این کنفرانس با صدور سند نهائی - اعلامیه ماناگوا - نگرانی خود را از اوضاع آمریکائی مرکزی اعلام داشتند. در این اعلامیه گفته می‌شود: «مداخله مسلحانه آمریکا در السالوادور واقعیت یافته است. خطر تجاوز به خاک نیکاراگوئه وجود دارد.» نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس، سیاست آمریکا را نسبت به نیکاراگوئه، که سیاست اعمال فشار و شانتاژ است، محکوم کردند.

بازگشت آرامش به بهبهان

بدنبال برپائی نمایشگاههای خیابانی از طرف هواداران سازمان مجاهدین خلق، در بهبهان و بوجود آمدن جو تشنج در روز ۲۵ فروردین سال ۶۰، که منجر به درگیری بین هواداران این سازمان و عده‌ای از مخالفین آنها شد، بیست نفر از طرفین متخاصم مجروح شدند. خوشبختانه روز بعد از این ماجرا، به دنبال تسبیح جنازه ۴ پاسدار شهید در جبهه جنگ و به دعوت روحانیت مبارز پیرو خط امام و همچنین ارگانهای انقلابی، مبنی بر عزای عمومی در این شهرستان، روز ۲۷ فروردین جو تشنج از بین رفت و آرامش به این شهر بازگشت. در این روز مردم با شرکت همه جانبه در مراسم تسبیح جنازه پاسداران شهید، بار دیگر پیوند خود را با انقلاب و عزیمتشان را برای حفظ دستاوردهای انقلاب به نمایش گذاردند. ما ضمن محکوم کردن این نوع درگیری‌ها، که در شرایط حساس کنونی، قبل از همه به نفع آمریکا و بیش از همه به ضرر انقلاب ایران تمام میشود، از همه ارگانها و عناصر و گروههای متعصب به انقلاب می‌خواهیم که با اینگونه مسائل هشیارانه برخورد کنند.

رفقا ابراهیمی و بدرنیا را از زندان مهاباد آزاد کنید

۲ نفر از هواداران حزب توده ایران در مهاباد به اسامی ثاوات ابراهیمی و طه بدرنیا روز ۱۷ فروردین ۶۰، هنگام پخش اعلامیه‌های انشاکرانه در مورد بانده قاسم‌لو، توسط سپاه پاسداران این شهر دستگیر شدند. بر اساس اطلاعات رسیده این دو نفر به همراه ۳ از هواداران و اعضای حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) فعلاً در اتاقی زندانی هستند، و برغم مراجعات مکرر برای آزادی آنها، هنوز اقدامی در این مورد نشده است. تنها گفته‌اند که رفقای ما باید تعهدنامه‌ای پر کنند که دیگر کار تبلیغاتی انجام ندهند، تا در آن صورت آزاد شوند. از آنجا که این دو رفیق نوجوان ما از این کار خودداری کرده‌اند، آنها را همچنان در بند نگاهداشته‌اند. مسئول زندان به رفقای ما گفته است: «این زندان را پر از توده‌ای و کنگره چهارمی می‌کنم.» از آنجا که این سخن از دهان یک مقام مسئول هوادار انقلاب تعجب‌آور و تاسف‌انگیز است، ما از مقامات شهر مهاباد و بویژه مسئول سپاه پاسداران این شهر می‌خواهیم که دقیقاً به این مسئله رسیدگی کنند. ما بار دیگر آزادی فوری و بدون قید و شرط رفقای زندانی را خواستاریم.

Table with 2 columns: Currency/Unit and Amount. Includes entries like 'مزدک به حزب پدرش از سقر ۱۷۰۰ ریال', 'مزدک ص ۲۵۰۰ ریال', 'روزبه ص ۵۰۰۰ ریال', 'روشن ص ۵۰۰۰ ریال', 'رامتین ص ۵۰۰۰ ریال', 'جعفر پ ۵۰۰۰ ریال', 'اهدائی مهران و مرجان به حزب پدرشان ۶۰۰۰۰ ریال', 'ناهد ت ۵۰۰۰ ریال', 'پیمان از قلکش ۵۰۰ ریال', 'سندوقدار از قم ۵۰۰ ریال', 'شعله م ۱۲۰۰ ریال', 'ازچشن تولد نوید ۲۵۰۰۰ ریال', 'خانم آفاق ۳۰۰۰ ریال', 'د. ب. ن ۵۰۰۰ ریال', 'ج. الف از اصفهان ۵۰۰۰ ریال', 'فریرز ج کارگر ۱۰۰۰ ریال', 'م.خ. سیمین و یاران ۱۳۰۰۰ ریال', 'م. از قم ۳۵۰۰ ریال', 'ط. از تهران ۲۰۰۰ ریال'

بزرگداشت تشکیل جمهوری اسلامی ایران در آبادان

سالگرد تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۲ فروردین سال ۶۰، با شکوه فراوان در گلستان شهدای شهرستان آبادان، با حضور امام جمعه این شهرستان و گروهی از رزمندگان جبهه‌های جنگ آبادان و خونین شهر جشن گرفته شد. در آغاز این مراسم، بعد از خواندن چند سرود، حجت الاسلام جمعی، امام جمعه آبادان، در مورد روز ۱۲ فروردین، روز برگزاری و فراتر بردن برای برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران، سخنانی ایراد کرد. این مراسم با قرائت قسمتهائی از وصیت‌نامه یک شهید در جنگ تحلیلی صدام بر ایران، خاتمه یافت.

به کمک سیلزدگان استان خراسان بشتابیم

جاری شدن سیل در خراسان، به مشهد و روستاهای اطراف آن و شهرهای قوچان، شیروان و تربت جام خسارات فراوانی زد. در مشهد سیل خیابانها و معابر شهر را دربر گرفت و به تعدادی از خانه‌های مسکونی در نقاط مختلف شهر و از جمله قریه آبکوه خساراتی وارد کرد. سیل در روستاهای شیروان و بویژه روستای زیارت نیز خسارات فراوانی به بار آورد. فرماندار قوچان روز ۹ اردیبهشت، باتوجه به آنکه شهر در محاصره سیل قرار گرفته بود، از مردم خواست تا خانه‌های خود را خالی کنند و از شهر خارج شوند. در روستاهای اطراف قوچان نیز سیل خرابیهایی زیادی ایجاد و در روستای «کلاته زینل» بیشتر خانه‌ها را ویران کرد. تاکنون سیلابهای چند روزه در شیروان، قوچان، مشهد و تربت جام باعث ویرانی صدها خانه و مغازه شده است و به کشاورزان، باغداران و دامداران خسارات سنگینی وارد آورده است. تاکنون از تلفات جانی این سیلاب گزارشی دقیق بدست نیامده است. اکنون مردم مناطق سیل زده همراه با نهادهای انقلابی و ارگانهای مسئول به کمک سیلزدگان شتافته‌اند. ما ضمن ابراز همدردی با مردم این مناطق، از مقامات مسئول استان و دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم که در کمک و یاری هر چه سریعتر به سیلزدگان هیچگونه تاخیری روا ندارند.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران. دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی. خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸. (دکتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست) چاپ: کاویان. NAMEH MARDOM. No. 502. 3 May 1981. Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr. خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند: صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران